



دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۵ برابر ۱۳ دسامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۳۵

دو اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان در اوین

اعتصاب غذا در زندان اوین
در صفحه ۲

اختناق و سرکوب بیشتر
در صفحه ۲

رسوایی از بی رسوایی

* ۳۰ میلیون دلار از کمک سیاه‌په ضد انقلاب نیکار گوشه، از محل برداختنی‌های رژیم خمینی تمام شد

* به خواست و اشنگتن جمهوری اسلامی، (موشک به اشرار افغانی تحویل داد

متحده و هم‌سرکردگان رژیم جنایت و خیانت در تهران، از مدتها پیش می‌دانستند که تداوم روابط پشت پرده برای همیشه عملی نیست و در مقطع معینی، به ناچار و برای تامین منافع دو جانبه، بند و بست‌ها علنی خواهد شد. اما اکنون سیر رویدادها نشان می‌دهد که زنجیره واکنش‌های مهار ناپذیر و برملا شدن گستردگی ابعاد بند و بست رژیم خمینی و امپریالیسم آمریکا، دشواریهای جدی برای طرفین پدید آورده و رنج زایش را پروردتر از آن کرده است که در آغاز کار تصور می‌کردند. بهمین رویدادها، دیگر "محتورات" طرفین را در نظر نمی‌گیرد و

تاب کنونی حاکی از آن است که علنی شدن مناسبات و اشنگتن و تهران بناکزیبر واکنش‌هایی را بهار آورده که آغاز این دوره جدید راه‌زایش پروردی برای هر دو طرف تبدیل کرده است؛ نقاب‌ها از چهره‌ها بر گرفته می‌شود، کوس رسوایی شارلاتان‌های سیاسی و عوام‌فریبان را بر بامها می‌نوازند. بگونه‌ای که ادامه پرخاشگریها و کینه‌ورزیهای ظاهری، به چنان نمایش مسخره‌ای تبدیل شده است که دیگر خود تخریب‌گردانان آن نیز می‌دانند که خریداری ندارند. تردیدی نیست هم محافل حاکمه ایالات

سلسله رویدادها پس از علنی شدن روابط رژیم خمینی و دولت ریگان، یکی پس از دیگری پرده از رسوایی‌ها در ارتباط با این بند و بست‌های توطئه‌کرانه برمی‌دارد. سیر شتابان حوادث، هر روز گوشه‌ای دیگر از توافقی‌های گسترده کاخ سفید و جماران را برملا می‌سازد و عق خیانت-پیشکی سران جمهوری اسلامی و جوهر چرکین سیاست‌های دولتهای امپریالیستی را نشان می‌دهد. زنجیره افشاکری‌ها و خودافشاکری‌ها گسترش یافته و کنترل مهار آن برای خمینی و ریگان دشوار شده است. تب و

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه اوین

خانواده‌های زندانیان سیاسی با ازدحام در مقابل زندان‌های اوین و قزل حصار نگرانی خویش نسبت به جان زندانیان را ابراز می‌دارند. آنها مصراانه خواستار ملاقات با فرزندان دلاور خود هستند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی هم‌زمان است با موج جدید سرکوب و پیگرد، و تشدید شکنجه در زندانها. در چند ماه اخیر اعمال ددمنشانه‌ترین شکنجه‌ها بر زندانیان، بویژه بر زندانیان تازه دستگیر شده، اوج‌نوبینی یافته است. تفتیش و بازرسی بدنی گسترده در شهرها برقرار است، گاه‌به‌گاه حکومت نظامی اعلام نشده اقداماتی است که ساواک

بقیه در صفحه ۲

است. اعتصاب غذا در زندان‌های رژیم ولایت فقیه معنای ویژه‌ای دارد. این حکومت ددمنش که در شکنجه و کشتار فاشیسم هیتلری را الگو قرار داده است، تاکنون هر حرکت جمعی زندانیان را با تصاعد خشونت و کشتار پاسخ داده است. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی خود بیانگر روحیه رزمنده و قهرمانی پرشکوه این فرزندان اسیر خلق‌های میهنان است.

اکنون زندانیان اعتصابی را خطر مرگ تهدید می‌کند. علاوه بر این با توجه به سوابق امرخطر تیرباران گروهی زندانیان افزایش یافته است. با توجه به این نگرانی‌ها

بنابر گزارشهای رسیده از زندانهای رژیم خمینی، زندانیان سیاسی زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده‌اند. این اعتصاب در اواسط آبان ماه آغاز گردید و تا لحظه تنظیم این خبر همچنان ادامه داشته است.

جلادان خمینی به خاطر هراس از پخش خبر اعتراض قهرمانانه فرزندان دلاور خلق در سطح جامعه، از دو هفته پیش ملاقات خانواده‌ها با بستگان زندانی خویش را قطع کرده‌اند. علاوه بر زندانیان اوین زندانیان سیاسی زندان قزل حصار هم از روز جمعه ۲۲ آبان تاکنون اجازه ملاقات نیافته‌اند. از آن تاریخ تاکنون هیچگونه خبری از زندان قزل حصار به بیرون نرسیده

۲۰ هزار پاسدار و بسیجی در خیابانهای تهران

حالت حکومت نظامی عریان در تهران و شهرستانها

در روز چهارشنبه هفته گذشته (۵ آذر) پاسداران جمهوری اسلامی، تهران را فرق کردند. آن‌ها از پیش از ظهر چهارراه‌ها را بستند و اغلب عابریین پیاده و اتومبیل‌ها را مورد بازرسی قرار دادند. در این روز در تهران، حکومت نظامی حالت بسیار آشکار و عریانی یافت. گشت‌های حکومتی در همه‌جا حضور داشتند آنها در خیابان‌ها و حتی در کوچه‌ها، افرادی را که مشکوک تشخیص می‌دادند، متوقف می‌کردند، کیف‌ها و جیب‌هایشان را به دقت می‌گشتند، و از آن‌ها پرس و جو می‌کردند که نام و نشان و شغل‌شان چیست، از کجا می‌آیند و به کجا می‌روند. در موارد بسیاری دامنه سئوالها از پرس و

جو در مورد هویت فرد فراتر می‌رفت و کار به یک بازرجویی تمام عیار می‌کشید. پاسداران اسامی افرادی را که مشکوک تشخیص می‌دادند با لیست‌هایی که همراه اکیپ خود داشتند تطبیق می‌دادند و در برخورد با هر موضوع شک برانگیز افراد را دستگیر می‌کردند.

گشت و بازرسی تنها به تهران مربوط نمی‌شد. هم‌زمان در شهرستان‌ها نیز حالت حکومت نظامی ایجاد کرده بودند. بر این برنامه نام مانور "خندق" (در چارچوب هفته بسیج) گذاشته شده بود. بعد اعلام کردند که در امر کنترل و بازرسی و پیگرد در تهران بقیه در صفحه ۲

در این شماره

در صفحه ۴

● اخباری از جنگ

● ۱۶ آذر، روز دانشجو،

روز «اتحاد، مبارزه، پیروزی»

در صفحه آخر

● ادامه گزارشها

بیرامون بند و بست آمریکا و رژیم خمینی

در صفحه ۱۰

بیرایسه برحق سائق و آزگسون
راه کارگر در کدام راه؟
در صفحه ۱۰

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در اروپا اعتصاب غذا در زندان اوین

در خطر است! ما از همه رسانه‌های گروهی، از همه سازمان‌های بین‌المللی و ذریعه، می‌خواهیم ضمن بازتاب دادن خبر مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی ایران و اعتصاب غذای دلیرانه آنها در زندان اوین، در شرایط توصیف‌نشده‌ای به لحاظ وجود فشار، و شکنجه و اعدام‌های وسیع، به دفاع از جان آنان برخیزند. زندانیان سیاسی ایران، خواهان گسترش کارزار بین‌المللی با مقاومت عادلانه و مشروع خود هستند.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا ۲۹ نوامبر ۸۶

زندانیان زندان سیاسی زندان اوین در تهران، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. حکومت جمهوری اسلامی به دنبال گسترش اعتراضات زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای آنان در اوین، از دو هفته پیش امکان ملاقات آنان با خانواده‌هایشان را سلب کرده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی دو زندان مشهور اوین و قزل‌حصار، واقع در تهران، از این بابت بسیار مضطرب و نگرانند. آنها به تجربه دریافته‌اند که قطع ملاقات‌ها به معنی تشدید فشار در زندان‌ها، و شکنجه و اعدام بیشتر است. جان زندانیان سیاسی به شدت

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاه اوین

بقیه از صفحه اول

اعتصابی و در افشای جنایات رژیم در زندانها باید فعالتر از همیشه تمام امکانات را به کار گرفت. باید باتمام توان فریاد رزمندگی و خواسته‌های آنان را به گوش جهانیان رساند. باید با افشای هرچه بیشتر رژیم خونریز و جانی جمهوری اسلامی، با برانگیختن بیشترین فریاد اعتراض بین‌المللی علیه این حکومت قرون وسطایی بردستهای خونچکان آن زنجیر زد. بازار زندانی‌ها، همکاری هرچه گسترده‌تری را از سوی نیروهای مترقی ایرانی و هر انسان آزاده و شریف، برای نیل بدین هدف می‌طلبند.

خمینی جهت دستگیری فعالین سازمانهای انقلابی و ضربه‌زدن بر آن‌ها سازماندهی کرده است. بازرسی و کنترل وسیع روز چهارشنبه ۵ آذر که به نام "مانور خندق" انجام گرفت نمونه‌ای از اینگونه اقدامات است. تشدید شکنجه، بیکرد و ترور، همگی نشانه‌های بارز شکست رژیم در پیشبرد طرحهای سرکوبگرانه است. در سال جاری، ساواک رژیم، بخش عمده نیرو و برنامه‌های سرکوبگرانه خود را برای وارد آوردن ضربه به سازمان ما اختصاص داده است. در پشتیبانی از زندانیان

اعتصاب غذای فدائیان خلق در دانمارک برای قطع شکنجه و گسترش زندانیان سیاسی

همبستگی کردند. در روز جمعه ۲۸ نوامبر، طبق برنامه تنظیمی، اعتصاب غذا، با آغاز یک راهپیمایی در شهر کپنهاگ به پایان رسید در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر، گروهی از دانشاکی‌ها، ترک‌های مترقی و ایرانیان آزاده مقیم دانمارک راهپیمایی منظمی را از محل اعتصاب غذا به سمت سفارت جمهوری اسلامی آغاز کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات نفرت خویش از رژیم ولایت فقیه و کوششهای آن در آستانه‌ی سربردگه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را ابراز داشتند. این راهپیمایی پرشکوهِ با خواندن قطعنامه‌ای در اعتراض به پیگرد، دستگیری شکنجه و اعدام فرزندان مبارز و قهرمان خلق به پایان رسید.

اعتصاب غذای فدائیان خلق در دانمارک و تظاهرات متعاقب آن بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های دانمارک یافت. چندین روزنامه برتیراز این کشورخبر آنرا انعکاس دادند و رادیو دانمارک طی دو برنامه به بخش گزارش این اعتصاب غذا پرداخت. روزنامه ارگان حزب کمونیست دانمارک نیز بهمین مناسبت طی دو مقاله مفصل، خوانندگان خود را در جریان رویدادهای ایران، مبارزات مردم میهن‌ما و اخبار مربوط به این اعتصاب غذا قرار داد. علاوه بر این چند روزنامه برتیراز دیگر نیز مقالاتی پیرامون این اعتصاب درج کردند. از سوی احزاب و سازمانهای مترقی دانمارکی پیام‌های همبستگی برای اعتصاب کنندگان فرستاده شد.

دانمارک همزمان با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان اوین صورت گرفت. این همزمانی خود شاعدی بر همپیوندی عمیق مبارزات انقلابیون داخل و خارج کشور و جلوه‌ای از عاطفه پرشور و عمیق مبارزین خارج از کشور نسبت به هم‌زمان زندانی خود در داخل کشور و رژیم شکوهند آنان است. نیروهای مترقی دانمارکی و خارجی مقیم دانمارک و نیز بسیاری از ایرانیان میهن دوست و دمکرات پشتیبانی همه جانبه خود را از این اقدام ابراز داشته و با زندانیان سیاسی میهنمان و فدائیان خلق اعلام

محل اجتماع اعتصاب کنندگان، شعارها و پلاکاردهایی در افشای ددمنشی‌های رژیم فقه‌نصب شده بود. پایمال ساختن ابتدایی‌ترین موازین انسانی و اعمال غیرانسانی‌ترین شیوه‌های شکنجه در زندانهای این رژیم پلید افشا و به نمایش گذاشته شد. این حرکت اعتراضی پر جلوه و قدرتمند که تا سه روز ادامه داشت، بازتاب گسترده‌ای در میان مردم دانمارک یافت و آنان را پیش از پیش با ماهیت بغایت ضد مردمی رژیم خمینی و عزم خلل‌ناپذیر فدائیان در سرنگونی آن آشنا نمود. اعتصاب غذای فدائیان خلق در

برای افشای شرایط موجود در سیاه‌چال‌های رژیم جمهوری اسلامی و با خواست قطع شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، برای اعتراض به یورش اخیر رژیم تبهکار خمینی به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و به منظور افشا و محکوم ساختن روابط پنهانی امپریالیسم آمریکا با حکومت ولایت فقیه، اعتصاب غذای سه‌روزه‌ای توسط فدائیان خلق در دانمارک سازمان داده شد و با موفقیت به اجرا درآمد. این اعتصاب غذا از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر (۵ آذر) آغاز شد و طبق برنامه تا ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز جمعه ۲۸ نوامبر ادامه یافت. اعتصاب غذا در جلب حمایت نیروهای مترقی و افکار عمومی دانمارک و جلب توجه نسبت به شرایط زندانیان سیاسی ایران با موفقیت کامل همراه بود.

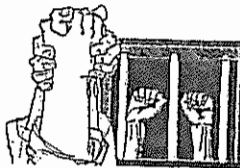
اعلام اعتصاب غذا به دنبال انتشار اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحت عنوان "در برابر تهاجمات رژیم از فدائیان خلق حمایت کنید" صورت پذیرفت. فدائیان خلق در دانمارک با انتشار اطلاعیه اعتصاب غذا در سطح شهر کپنهاگ، مردم دانمارک و ایرانیان مقیم این کشور را به حمایت هرچه فعالتر از زندانیان سیاسی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت و مبارزه مردم ایران فراخواندند.

در ساعت ۹ صبح روز ۵ آذر، فدائیان خلق در میدان مرکزی شهر کپنهاگ مستقر و اعتصاب غذای خود را آغاز نمودند. اطراف چادر بزرگ

هم میهنان مبارز!

— در اعتراض به بیرشخیز رژیم تبهکار خمینی به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) —
— برای قطع شکنجه و گسترش زندانیان سیاسی در سیاه‌چال‌های رژیم —
— برای انشا و محکوم نمودن اقدامات غیر امپریالیسم آمریکا در حمله پشاور رژیم ضد بشری و خونریز خمینی —

فدائیان خلق ایران (اکثریت) - دانمارک
روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر ساعت ۹ صبح
در RÅDHUSPLADSEN
اعتصاب غذای سه‌روزه خود را آغاز خواهند نمود.
روز جمعه ۵ نوامبر ساعت ۵ بعد از ظهر با پایان یافتن اعتصاب غذا
راهپیمایی
از RÅDHUS PLADSEN بسوی سفارت جمهوری اسلامی



اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در اروپا اختناق و سرکوب بیشتر

در روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر، نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در تهران و شهرستان‌ها چهارراه‌ها را بند آوردند، اغلب رهگذاران راه، چه پیاده و چه سواره، مورد بازرسی فرار دادند و عده کثیری را دستگیر کردند. در این روز در تهران، حکومت نظامی، حالت بسیار آشکار و عریانی یافت. به گفته مقامات حکومتی اعمال کنترل وسیع در تهران، به کمک ۲۰ هزار پاسدار به مورد اجراء آمد.

بازرسی و کنترل وسیع روز ۲۶ نوامبر، که تحت نام مانور "خندق" صورت گرفت، تنها یکی از جلوه‌های تشدید جو اختناق و سرکوب در تهران

است. مشخصا از اوایل تابستان امسال پیگرد و دستگیری اعضای سازمان‌های انقلابی، بویژه اعضای سازمان‌ها، ابعاد بسیار گسترده‌ای یافته است. هم‌زمان با تشدید جو اختناق و سرکوب در جامعه، بر فشار و شکنجه و اعدام در زندان‌ها افزوده‌اند.

هدف از دستگیری‌های وسیع، هدف از اختناق و سرکوب بیشتر و تشدید فشار و شکنجه دستگیرشدگان جلوگیری از افشای سازمان‌های انقلابی به دنبال بر ملا شدن رسوایی روابط جمهوری اسلامی با آمریکا است.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۶

حالت حکومت نظامی عریان در تهران و شهرستانها

بقیه از صفحه اول

است. از آغاز تابستان امسال به شکلی گسترده‌تر از قبل، عس‌ها، جمهوری اسلامی بوکشان به هر جایی که گمان می‌کرده‌اند می‌توانند به فعالین سازمان‌ها و دیگر سازمان‌ها، انقلابی دست یابند، سرکشیده‌اند و همه ورودی‌ها و خروجی‌های شهرهای مختلف، خاصه تهران را بسته‌اند تا بلکه بتوانند بدانها دست یابند. در ادامه این تلاش مذبوحانه است که هفته گذشته تهران را به تمامی فرق کردند و عملاً اعلام حکومت نظامی نمودند.

هم‌زمان با تشدید جو فشار و اختناق در جامعه، فشار بر روی زندانیان سیاسی فزونی گرفته است. اکنون بیش از دو هفته است که اجازه نمی‌دهند زندانیان اوین و قزل‌حصار با خانواده‌های خود ملاقات کنند. قطع ملاقات همواره نشانه آن است که زندانیان را به صورت دسته‌جمعی به زیر شکنجه و شلاق کشیده‌اند.

هدف از همه این فشارها، کنترل‌ها، بازرسی‌ها، دستگیری‌ها و اعدام‌ها جلوگیری از فعالیت‌های سازمان‌گرا و افشاکرانه نیروهای انقلابی است. رژیم در پی بر ملا شدن رسوایی‌های پیاپی‌اش، از جمله رسوایی ارتباط با آمریکا، وحشت از نیروهای انقلابی بسیار فزونی گرفته است. بسیج ۲۰ هزار نفره رژیم برای کنترل تهران نشان‌دهنده قدرت نیروهای انقلابی و اوج وحشت رژیم است. رفسنجانی در هنگامی که برای توضیح فریبکارانه مناسبات رژیم با آمریکا در روز ۱۲ آبان داد سخن داده بود، مطرح کرد که ما به آمریکایی‌ها گفته‌ایم که نمی‌توانیم همه مناسبات خود را با شما علنی کنیم، چرا که "ملت ما در خواب نیست". آری، رژیم در هراس از "بیداری ملت" است. شاخص مهم این بیداری، فعالیت سازمان‌های انقلابی است. رژیم برای جلوگیری از این فعالیت‌هاست که به وسیله‌ترین شکل کنترل و بازرسی رو آورده است. اما این تمهیدات، خود به بیداری و هوشیاری می‌انجامد.

در حکومت نظامی روز ۲۵ آذر جمهوری اسلامی عقب‌وحشت خود را به نمایش نهاد. تمهیدات امنیتی مختلف رژیم، نشان می‌دهد که حکومت دیگر تکیه بر سرنیزه را کافی نمی‌داند. خمینی تخت سلطانی خود را مستقیماً بر روی سرنیزه استوار کرده است. ●

۲۰ هزار پاسدار و بسیجی را شرکت داده‌اند. آنها علاوه بر داشتن هدف پیگرد فعالین نیروهای انقلابی قصدشان دستگیر ساختن جوانانی بود که از رفتن به سربازی خودداری می‌ورزند.

مانور "خندق" یکی از اجزای طرح امنیتی تازه جمهوری اسلامی است که در سال ۶۵ و مشخصاً از اوایل تابستان به مورد اجرا گذاشته شده است. مشخصه این طرح پیگرد و کنترل گسترده سیستماتیک در تهران و در سرتاسر کشور است. در طرح‌های امنیتی گذشته اساس بر روی کنترل گسترده با اتکا بر کمیت نیروها، امنیتی و انتظامی بود. مسئولان امنیتی رژیم کوشیده‌اند در طرح جدید فاکتور نظام یافتگی، و هماهنگی بین ارگان‌های امنیتی مختلف و بخش‌های مختلف آنها را به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، تقویت کنند تا بتوانند سوراخ‌های تور امنیتی خود را ببوشانند.

یکی از حلقه‌های اصلی طرح تازه، ایجاد کلوگاه‌های امنیتی بوده است. برآمده کمیته‌ها در اوایل مرداد ماه امسال اعلام کرد که "به زودی در ۸ منطقه از تهران، کلوگاه‌های امنیتی ایجاد خواهد شد." در واقع پیش از اعلام این موضوع کلوگاه‌های امنیتی پیشین تقویت شده بود. هم‌زمان با تقویت توره‌های امنیتی در خروجی‌های تهران به توسط "۱۸ پایگاه عملیاتی"، کنترل در جاده‌های مهم کشور، برخی نقاط حساس و مبادی شهرستان‌ها نیز تشدید شد. بعد از بستن خروجی‌های تهران و شهرستان‌ها نوبت به انتظام دادن به کنترل داخل شهری رسید. مانور "خندق" و ایجاد حالت حکومت نظامی تمام عیار در روز چهارشنبه ۲۵ آذر در همین راستا صورت گرفته است.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی می‌کوشند و انمود سازند، که طرح‌های تازه تنها تمهیداتی برای روز مباداست. آنها وانمود می‌کنند که با ایجاد حکومت نظامی در تهران و شهرستان‌ها تنها دست به یک "تمرین" زده‌اند. اما آنچه که صورت گرفته، نه یک تمرین و مانور، بلکه عملیاتی واقعی بوده است. رژیم، در هراس از ناتوانی خود در متوقف ساختن فعالیت نیروهای انقلابی حداکثر قوا و امکانات خود را به میدان ریخته

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو پرچم خونین ۱۶ آذر را به اهتزاز درآوریم!

۱۶ آذر، زنده کردن جنبش دانشجویی است. تلاش پیگیر و گسترده‌ای را برای تدارک این مراسم آغاز کنید. تاریخ ۱۶ آذر، تاریخ مبارزه دانشجویان علیه ارتجاع است. مبارزه علیه جنگ و علیه استبداد قرون وسطایی ولایت فقیه را تشدید کنید. با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" توده دانشجویان، دانش‌آموزان و همه جوانان را برای کسب خواست‌های سیاسی و حقوقی صنفی-دمکراتیک‌شان بسیج کنید.

۱۶ آذر روز پیروند جنبش دانشجویی با جینش توده‌ای است. با مبارزات مردم ایران علیه جنگ، خفقان، اخراج کارگران، بیکاری و گران‌ی و با مبارزه حقیلیانه خلق‌های تحت ستم ایران اعلام همبستگی کنید. در همه صحنه‌های مبارزاتتان، جوانان پیشگام همواره در کنار شما و با شما هستند. به هر ترتیبی که می‌توانید به سازمان جوانان پیشگام ایران، میهن‌دوست ایران یاری رسانید. ما بیروز می‌شویم و بر ویرانه‌های رژیم خمینی، ایران آزاد و دمکراتیک را بنا خواهیم کرد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی جنگ افروز، گسترده باد مبارزه انقلابی دانشجویان در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران آذرماه ۱۳۶۵

بقیه از صفحه آخر
بی‌سابقه‌ترین جنایت را مرتکب شده است. اما علیرغم همه جنایات آخوندها بار دیگر جوانه‌های احیای جنبش دانشجویی و روند بازپایی‌نش آن در مبارزه عمومی توده‌های مردم علیه ارتجاع حاکم در حال رشد و گسترش است. اینک مخالفت توده دانشجویان با حاکمیت دمیدم تشدید و تعمیق می‌شود، سطح این مخالفت‌ها ارتقا می‌یابد و آگاهی سیاسی در میان آنان رشد می‌کند. گواهی روشن این امر افزایش تعداد اعتراضات و اعتصاب‌های دانشجویی طی ۲ سال گذشته است. سطح کنونی مبارزه در دانشگاه در مقایسه با کشتاری که رژیم خمینی به راه انداخت و سرکوبی که هم اکنون می‌کند، بیانشگر ثغرت توده دانشجویان از جمهوری اسلامی و زمینه‌های مساعد برای گسترش مبارزه در دانشگاه است.

دانشجویان آگاه و انقلابی! اکنون پرچم خونین ۱۶ آذر به دست شماست. این پرچم را همانند سال‌های مبارزه علیه دیکتاتوری شاه به محوری برای مبارزه با استبداد قرون وسطایی خمینی تبدیل و همه دانشجویان را گرد آن بسیج کنید. ۱۶ آذر همیشه روزی بوده که نیروهای جوان دانشجو برای نخستین‌بار پا به جنبش می‌گذاشتند و تجربه نسل‌های گذشته را فرا می‌گرفتند. با برپایی مراسم ۱۶ آذر، این سنت را حفظ کنید، زیرا که احیای

صرفه جویی محور اصلی بودجه سال ۶۶

کبهان دوم آذر ماه - موسوی نخست وزیر در پایان جلسه هیات دولت درباره محور اصلی بودجه سال آینده اظهار داشت: "واقعیت‌های مربوط به درآمدها و هزینه‌های دولت در سال جاری اساس تنظیم بودجه برای سال ۶۶ خواهد بود و ما... باید روحیه صرفه جویی را در سال آینده حفظ نمایم." موسوی صرفه جویی امسال دولت را بی سابقه خواند و تاکید کرد بودجه بندی سال آینده نیز با همین روند ادامه خواهد یافت. موسوی افزود: "بودجه سال آینده بر مبنای تخصیص سال جاری تنظیم می‌شود و دولت به دستگاه‌های اجرایی تاکید کرده که برای بودجه خود بیش از سقف تعیین شده عمل ننمایند." نخست وزیر رژیم علت صرفه جویی اکید را هزینه جنگ اعلام نمود و بیان کرد: "هنوز دولت میزان کسری بودجه را مورد بحث قرار نداده، ولی سیاست ما بر صرفه جویی تکیه دارد و ناچاریم برای تحقق آرمانهای خود و ادامه قدرتمندانه جنگ به صرفه جویی در بودجه ادامه دهیم."

ادامه مذاکرات

جمهوری اسلامی و فرانسه

اطلاعات ۲۸ آبان - بدنبال امضای قرارداد مقدماتی حل اختلاف مالی بین جمهوری اسلامی و فرانسه، سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه اعلام کرد که مذاکرات در کشور برای حل و فصل نهایی اختلافات مالی فی مابین بزودی در سطح کارشناسان در

اخباری از جنگ

حمله موشکی به بغداد

قتل عام ساکنین شهرهای بی دفاع ایران و عراق توسط رژیم‌های جنایتکار و دیکتاتور در هفته گذشته همچنان ادامه یافت.

ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۵ آذر با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد پایتخت عراق را به موشک بسته است. در این اطلاعیه ادعا شده است این موشک به یک بخش از سازمان امنیت عراق اصابت کرده است. بدنبال این حمله موشکی، یک مقام نظامی عراق اعلام کرد که موشک به یک منطقه مسکونی اصابت کرده و دهان نفر از افراد غیر نظامی کشته و مجروح شده‌اند. خبرگزاری رویتر از بحریین گزارش کرد که طی حمله موشکی جمهوری اسلامی به بغداد حداقل ۴۸ تن کشته و بیش از ۵۲ نفر مجروح شده‌اند.

حمله هواپیما

به چهار استان کشور

جنگنده بمب افکن‌های رژیم عراق در هفته گذشته بطور مستمر بر آسمان شهرهای استانی خوزستان، باختران، کردستان و آذربایجان

تهران آغاز خواهد شد. قرارداد مورد توافق دو کشور در روز ۲۱ آبان توسط "برنارد ریمن" وزیر امور خارجه فرانسه امضا شد و در روز ۲۴ آبان به امضای ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی رسید.

بنا به گزارش کبهان هوایی ۵ آذر، ولایتی بدنبال امضای توافق نامه بین دو کشور، با "لافارنس" کاردار سفارت فرانسه در تهران دیدار و گفتگو کرد. کاردار سفارت فرانسه در این دیدار ابراز امیدواری نمود که همکاری‌های دو کشور در تمام زمینه‌ها گسترش یافته و سطح روابط نیز ارتقا یابد. ولایتی نیز با اشاره به ملاقات چندی پیش وزرای خارجه دو کشور در سازمان ملل و همچنین روند اخیر روابط، ابراز امیدواری نمود که روابط فی مابین بهبود و گسترش یابد. از سوی دیگر بنا به گزارش یونایتد پرس از پاریس، ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه نیز بر تسریع روند عادی سازی روابط با ایران تاکید نموده است.

تاسیس

دستگاه اطلاعاتی نیروهای انتظامی

اطلاعات دوم آذرماه: "مرکز آموزش سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی طی مراسمی با حضور حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور، رئیس ستاد مشترک، فرماندهان نیروهای انتظامی و سرپرست و سایر مسئولین سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی افتتاح شد." حجت الاسلام محتشمی "مسئولیت خطیر

دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای انتظامی، ضرورت انسجام و تشکیل دستگاه مذکور را در ارتباط با رویدادها و حوادثی که امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد" مورد تاکید قرارداد و درباره تمایزات وزارت اطلاعات با دستگاه‌های اطلاعاتی در نیروهای انتظامی گفت: "این دستگاه‌های حفاظتی باید جایگاه خود را در نظام پیدا کنند و ضمن استقلال، در عیال بازوئی قوی برای روسا فرماندهان نیروهای انتظامی باشند."

وزیر کشور رژیم درباره تشکیل سازمان حفاظت اطلاعات در کنارساواک رژیم اظهار داشت: "به دلیل تعدد نیروهای انتظامی در کشور که مسؤلیت حفظ امنیت در جامعه را بعهده دارند قانون یک سازمان مشخصی را در این رابطه به نام سازمان حفاظت اطلاعات تدارک دیده که در وزارت کشور تشکیل شده است."

مذاکره هیات ایرانی

با وزارت دفاع انگلستان

اطلاعات اول آذرماه - وزارت دفاع آمریکا در پاسخ به یک سوال خبرگزاری یونایتد پرس درباره سفارشات نظامی ایران به آمریکا در زمان شاه، اعلام کرد: "معادل ۱۱۵ میلیون دلار اسلحه که از طرف ایران پول آن پرداخت شده است، هنوز از نظر قانونی متعلق به آن کشور است."

روزنامه اطلاعات در ادامه مطلب فوق می‌افزاید: "این در حالی است که بر اساس یک گزارش منتشره در لندن یک هیات ایرانی در ماه

مسکونی مطرح ساخت: "این شرایط، زمینه را برای حمله وسیع به عراق آماده می‌سازد."

حمله هوایی به لارک

هفته گذشته هواپیماهای جنگی عراق تاسیسات نفتی لارک را مورد حمله قرار دادند. بنا به گزارش بیجه کشتیرانی لویدز لندن، در جریان حمله عراق به لارک سه نفتکش ایرانی و یک نفتکش دیتر به آتش کشیده شدند. خامنه‌ای رئیس جمهور و رئیس

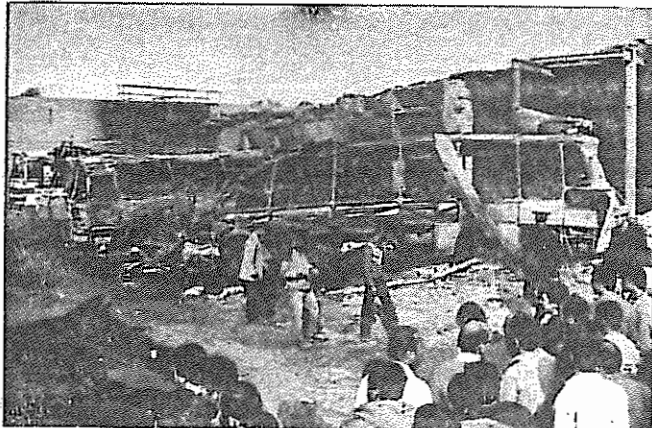
ظاهر شده و مبادرت به بمباران مناطق مسکونی و تاسیسات اقتصادی نمودند. در پی حمله هوایی عراق به شهرهای دزفول و اندیشک ۲۰ تن از افراد غیر نظامی کشته و عده‌ای مجروح شدند. میزان تلفات در شهرهای باختران و اسلام آباد غرب بسیار سنگین گزارش شده است. جنگنده‌های عراق در هفته گذشته به شهر مریوان، ماهشهر و بندرخمینی نیز حمله کردند. بنا به گزارشات رسیده، در جریان حملات هوایی اخیر رژیم تبهکار عراق به شهرهای کشور، حداقل ۲۰۰ کشته کشته شده‌اند.

در هفته گذشته هواپیماهای جنگی عراق بر فراز شهر قم نیز ظاهر شدند که در پی آن در تهران وضعیت فوق العاده اعلام شد. وزارت امور خارجه با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، خواستار اعزام هیاتی برای بازدید از آثار حمله هوایی عراق به مناطق مسکونی شهرهای باختران و اسلام آباد غرب شد. روز شنبه ۸ آذرماه هیات سازمان ملل مستقر در تهران از شهرهای باختران و اسلام آباد غرب بازدید بعمل آورد

هاشمی رفسنجانی روز ۶ آذرماه با اشاره به حملات عراق به مناطق

شورای عالی دفاع اعلام کرد که حمله هوایی عراق به تاسیسات نفتی لارک با کمک شیخ نشین‌های منطقه صورت گرفته است. خامنه‌ای کشورهای عرب حامی عراق را تهدید کرد که در صورت ادامه کمک به عراق، پاسخ مناسب دریافت خواهند نمود.

* در هفته گذشته شهر بصره کامکان زیر آتش توپخانه‌ای جمهوری اسلامی قرار داشت و هواپیماهای جنگی جمهوری اسلامی به شهرهای دهوک و اربیل عراق حمله کردند.



پارکینگ اتوبوس‌ها در شهر اهواز در جریان حملات هواپیماهای عراقی بمباران شد. عکس گوشه‌ای از ویرانی برجای مانده را تصویر می‌کند.

سیل در خوزستان

شدن ۱۱۰۰ راس دام نیز از دیگر پیامدهای جاری شدن سیل بود.

در شهرستان ایذه بر اثر سیل به ۶۰ باب خانه و مغازه، آسیب های کلی و جزئی وارد شده و در روستای کول فرح ۱۰ کودک طعمه سیلاب شدند. در این روستا ۶۰ درصد از تعداد ۱۶۰ واحد مسکونی روستا ویران گردید.

امواز، ۱۹ آبان - بر اثر جاری شدن سیل در شهرهای مسجد سلیمان و ایذه ۱۲ نفر از جمله ده کودک کشته و شش نفر مجروح شدند و معادل ۵۶۰ میلیون ریال خسارت به بار آمد.

در مسجد سلیمان بر اثر سیل ۱۰۰ واحد مسکونی و ۵۰ مغازه به کلی ویران شد و به ۵۰۰ واحد مسکونی دیگر خسارت جزئی وارد آمد. انهدام ۸ دستگاه اترموبیل، ۵۰۰ چادر عشایری، ۱۸۰ دهنه پل و نیز تلف



باجاری شدن سیل در مسجد سلیمان دمها خانه ویران گردید و میلیونها ریال خسارت به این شهر وارد شد.

گذشته مسیحی با مقامات وزارت دفاع انگلستان مذاکره کرده است. طبق این گزارش این مذاکرات بین ۲۸ مهر تا ۹ آبان ماه جهت بررسی قراردادها معوقه ای که در رژیم سابق با شرکت "اینترنشنال میلیتاری ساینز" به امضای رسیده بود انجام گرفت. شرکت مذکور وابسته به وزارت دفاع انگلستان است.

کنفرانس "معارضین عراقی"

کیهان ۲۸ آبان - حجت الاسلام سالک مسئول برگزاری ستاد "کنفرانس معارضین عراقی" در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد: "این کنفرانس با حضور کلیه نیروهای مخالف رژیم عراق و همچنین نمایندگان از کشورهای سوریه و لیبی و اوایل دیماه جاری در تهران آغاز بکار می کند." نامبرده افزود: "جمهوری اسلامی ایران علاوه بر میزبانی این کنفرانس خود بعنوان یک معارض در کنفرانس شرکت دارد و نظرات خود را ارائه خواهد کرد." باید خاطر نشان ساخت که مسئول برگزاری ستاد "کنفرانس معارضین عراقی" سازمانها و افراد شرکت کننده در کنفرانس را معرفی نکرد.

از میان دیگر رویدادها

کیهان هوایی ۵ آذرماه - وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که مذاکرات دولت این کشور با مقامات ایرانی درباره ۴۸۵ میلیون دلار پول مسدود شده ایران، در دادگاه لاهه ادامه دارد. رادیوی صدای آمریکا که این خبر را منتشر نمود، افزود تصمیم قطعی در این زمینه روز ۲۰ دسامبر سال جاری اتخاذ خواهد شد.

* اطلاعات ۲۸ آبان - وزارت امور خارجه ژاپن با صدور اعلامیه ای اعلام کرد که این کشور ۲۰۰ هزار دلار کمک بلاعوض فرهنگی در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است.

روزنامه حریت چاپ ترکیه:

"ایران مدافع منافع ترکیه است"

رسالت ۲۸ آبان - بدنبال عملیات نظامی جمهوری اسلامی در منطقه شمال عراق و کرکوک، روزنامه حریت چاپ ترکیه به نقل از یک مقام عالی رتبه وزارت خارجه این کشور ابراز اطمینان کرد که ایران نهایت سعی خود را برای سالم ماندن خط لوله نفت کرکوک به بندر "بومورتالیک" بکار می برد. روزنامه حریت همچنین افزود: "این خط لوله از نظر فیزیکی تحت محافظت قرار دارد و ما اعتماد کامل داریم که ایران به اقدامی که به ضرر ترکیه باشد دست نخواهد زد."

۲/۶ مهلبون پرورنده قضایی در یکسال!

رسالت ۲۸ آبان - مقتدای عضو سخنگوی شورایی عالی قضایی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی فاش ساخت: "جمع کل پرونده هائی که در دستگاههای قضائی (دادسرا، محکمه، اجرای حکم) در سال ۶۴ رسیدگی شده است، ۲/۶۰۴/۲۱۹ فقره" می باشد. بر اساس سخنان سخنگوی شورایی عالی قضائی رژیم، در همین سال کار بررسی نزدیک به ۹۰ هزار پرونده آغاز شده است.

به ایران بوده اند در پی چند هدف طرح شده اند: ایجاد کانال به رهبران صاحب نفوذ ایران، استفاده از مهاجرین برای کسب اطلاعات پیرامون وقایع داخلی ایران، سازماندهی منابع اطلاعاتی مستقل، دست و پا کردن دوست، کاهش نفوذ شوروی و ایجاد فشار بر رژیم خمینی از طریق به رخ کشیدن فعالیت مهاجرین و مخالفین."

علیرغم این افشاگریها، مضامین این مقاله حاکی از آن است که کمک مالی به دستجات ضد انقلابی هم چنان ادامه می یابد. زیرا آمریکا در ایران "استراتژی چند جانبه" ای را دنبال می کند. در مقاله آمده است: "بنا بر نظر چند تن از مقامات کابینه، بی شباتی سیاسی ایران و احتمال این که یکی از گروههای مهاجر روزی قدرت را به دست بگیرد، موید استراتژی چند جانبه ایالات متحده است. این دیدگاه مورد پذیرش برخی مقامات پیشین ایالات متحده نیز هست."

دلار کمک دریافت کرد". در واکنش نسبت به این افشاگری تیمسار مدنی نیز در مصاحبه ای، شرکت کرد. وی در این مصاحبه که در کیهان لندن شماره ۱۲۵ به چاپ رسیده است پذیرفت که با سازمان سیا از سال ۱۹۸۰ در تماس بود. مدنی گفت در مذاکرات فیما بین مقرر شد سازمان سیا از طریق دفتری که تحت سرپرستی وی در آلمان فدرال عمل می کرد پولهایش را واریز کند. "آمریکاییها قرار شد مدنی به این دفتر کمک کنند. این کمک ها را به دفتر کردند."

در مقاله واشینگتن پست افشا شده است که سلطنت طلبها چیزی جز جاسوس و خبرچین سازمان سیا نیستند. در این مقاله برای بیان جاسوسی این مزدوران، از جمله "استفاده از مهاجرین برای کسب اطلاعات پیرامون وقایع داخلی ایران، سازماندهی منابع اطلاعاتی مستقل" استفاده می شود. واشینگتن پست می نویسد: "منابع درون کابینه گفتند که همه برنامه های "سیا" که مربوط

افشاگری واشنگتن پست...

بقیه از صفحه آخر

چهار ساعت به تبلیغات در دفاع از سلطنت طلبان و افترا زنی علیه نیروهای مترقی و جنبش کمونیستی ایران و جهان مشغول است.

شاهین فاطمی که از جمله گردانندگان دستجات سلطنت طلب است در مصاحبه ای با کیهان لندن حاضر شد و تلاش کرد تا برای این مواجب بگیری توجیهاتی بتراشد. وی مزدوری خود و دارودسته اش را جهت مبارزه با خمینی ضروری دانست و گفت حق دارد از "هر نوع وسیله و امکانی" استفاده کند. البته فاطمی اشاره ای به چورتی انتقال آن پولها به بازار بورس سوئیس نکرده است!

در مقاله واشینگتن پست هم چنین افشا شده است که تیمسار مدنی نیز از سازمان سیا پول می گرفت. طبق این گزارش بنابه تصمیم ریگان و ویلیام کیسی (رئیس سازمان سیا) "گروه درباردار مدنی چندین میلیون

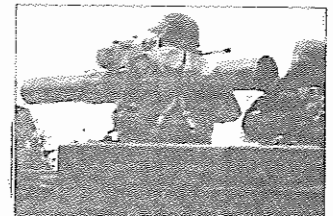
برخی از مهاجرین ایرانی در پاریس گفتند که پول گرفتن آن ها از "سیا" در داخل گروه های پشیمان - حقیقت عیانی است. منابع همچنین گفتند که بخشی از پول "سیا" برای بورس بازی در بازار ارز سوئیس به کار رفته است."

در مقاله، جزئیات بیشتری از میزان پولهای پرداخت شده و کثیرندگان آنها ذکر گردیده است. یکی از دستجاتی که مزدبگیر سازمان سیا بوده است "جبهه نجات" است که توسط علی امینی گردانندگی می شود. به نوشته وودوارد "جبهه نجات" ماهانه ۱۰۰ هزار دلار از سیا پول می گرفت. علاوه بر این، این دارودسته ماهانه ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار جهت مخارج "رادیونجات" از سازمان جاسوسی پول دریافت می کرد. "رادیو نجات" فرستنده ای است که از قاهره (در مصر) برنامه پخش می کند و روزانه

رسوایی از پی رسوایی

بقیه از صفحه اول

با تازیه وارد صحنه شده است تا کوچکترین "بی احتیاطی" و خود افشاکری از اصحابش سرزنند. دولت ریگان را نیز تنش حاصله از برملا شدن این مناسبات مفده جویانه، در برگرفته است. طبق نظر سنجی‌های بعمل آمده، بر اثر دروغتویی‌های مکرر رئیس جمهور آمریکا، اعتبار او نزد مردم این کشور به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. رسانه‌های غربی می‌نویسند که شیخ "واترکیت" برفراز کاخ سفید پرواز می‌کند. بر صفحه شطرنج، پیاده‌ها را قربانی می‌کنند تا شاه، ریگان، حفظ شود.



به‌خواست آمریکا، رژیم خمینی صد موشک تا به اشرار افغانی تحویل داد

رژیم خمینی، شریک جرم کشتار مردم نیکار اگروه

ریگان تا سه‌شنبه هفته گذشته بر موضع خود مبنی بر اینکه در معامله با ایران اشتباهی نکرده است، پافشاری می‌کرد. روز سه‌شنبه ۲۵ نوامبر، رئیس جمهور آمریکا طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت در پایان جان پوین دکستر مشاور امنیت ملی او از سمت خود کناره گرفته و سرهنگ الیورنورت معاون پوین دکستر نیز برکنار شده است. ریگان از باخ دادن به پیرشهای خبرنگاران خودداری کرد و تنها در توضیح کوتاهی گفت ادوین میس وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا، تحقیقاتی در

مورد عملیات شورای امنیت ملی در ارتباط با ایران انجام داده است. رئیس جمهور آمریکا افزود: "این تحقیقات باعث شد من به این نتیجه برسم که کاملاً در جریان محتوای یکی از اقدامات انجام گرفته در ارتباط با این ابتکار (بندوبست با تهران) نبوده‌ام!"

بدنبال سخنان ریگان، دادستان کل آمریکا برده از یک رسوایی که ریگان ادعا می‌کند از آن اطلاعی نداشته، برداشت. ماجرا از این قرار بوده است که در معاملات تسلیحاتی آمریکا و جمهوری اسلامی، توافق طرفین بر روی بهای جنگ افزارها، آنتونف بوده است که مبلغ پرداختی از سوی رژیم خمینی بیش از بهای واقعی این تسلیحات بود. این مابه‌التفاوت که به ۲۰ میلیون دلار بالغ می‌شد، به درخواست اسرائیل، میانجی تحویل سلاحها توسط دولت ایران به یکی از حسابهای سازمان سیا در بانکهای سوئیس واریز گردید و سازمان سیا پولهای واریز شده از سوی جمهوری اسلامی را در اختیار ضد انقلابیون نیکار اگروه قرار می‌داد! علت این بندبازیها این بود که در آن مقطع، کنگره آمریکا هنوز تصمیم خود مبنی بر ممنوعیت کمک به کنترا (ضدانقلاب نیکار اگروه) را لغو نکرده بود و طبق قوانین ایالات متحده، کاخ سفید مجاز به پرداخت پول به کنترا از بودجه دولتی نبود. کاخ سفید که نمی‌توانست صبر کند تا ایستهای کنترا برای تخصیص اعتبار جهت ضدانقلابیون نیکار اگروه به نتیجه برسد، با استفاده از رژیم خمینی ۲۰ میلیون دلار برای مسلح کردن و تأمین مخارج قاتلان مردم نیکار اگروه فراهم ساخت! رژیم خمینی با شرکت در این توطئه رذیله‌ها و همدستی با ارتجاعی‌ترین و جنایتکارترین محافل

امپریالیسم آمریکا، ۲۰ میلیون دلار از اموال ملی مردم ایران را بلاعوض در اختیار آمریکا و از این طریق در اختیار جنایتکاران حرفه‌ای کنترا قرار داد تا بتوانند جنایات بیشتری علیه مردم انقلابی نیکار اگروه مرتکب شوند.

توطئه کاخ سفید و جماران علیه انقلاب افغانستان

کمیته مرکزی سازمان ما در اعلامیه‌ای که به مناسبت علنی شدن بندوبست‌های کاخ سفید و جماران انتشار داد، اعلام کرد توطئه علیه انقلاب افغانستان از آماج‌های این



موشک هاوک، بخشی از معامله تسلیحاتی جمهوری اسلامی و آمریکا بود.

ارسال سلاحهای آمریکایی به ایران را متوقف کنید!

در پی افشای روابط دولت ریگان با رژیم خمینی، فداییان خلق در آمریکا با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان "ارسال سلاح‌های آمریکایی به ایران را متوقف کنید!"، مردم و نیروهای صلح دوست آمریکا را به اعتراض علیه همدستی ریگان و خمینی در ادامه جنگ ایران و عراق فراخواندند.

در این اعلامیه با اشاره به "تصامین‌های سری" دولت ایالات متحده با رژیم خمینی آمده است که: «پشت پرده دود» کوشش‌های واقعی برای کسب آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، و برعکس ادعای قبلی "بی طرفی" در جنگ کهنه شش ساله بین ایران و عراق و "تحریم رسمی سلاح"، دولت ریگان با تجهیز ایران به سلاح و لوازم پدکمی به‌طور مستقیم با توسط واسطه‌هایی چون اسرائیل، آتش این جنگ را شعله ورتر کرده است.»

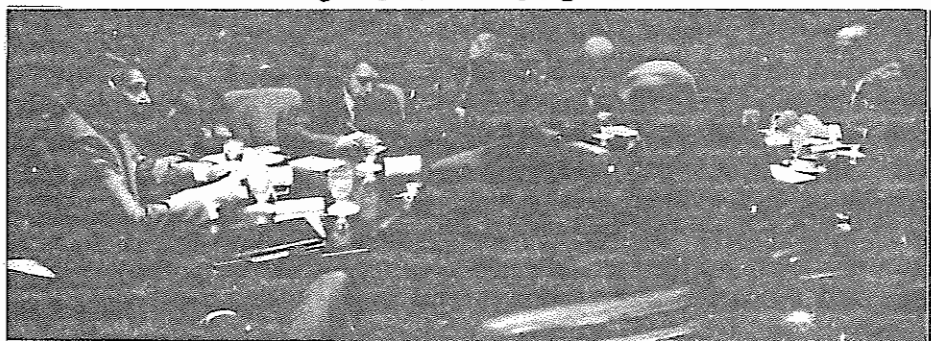
فداییان در اعلامیه خود، پس از تشریح پافشاری حکام جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ با عراق و زبان‌های جانی و مالی عظیمی که ره‌آورد آنست و اعترافات ریگان و مک‌فارلین در توضیح اهداف واقعی احیای "روابط پابدار" با جمهوری اسلامی، خطاب به شخصیت‌ها و سازمان‌های مترقی و صلح دوست نوشته‌اند که در راستای صلح:

- ۱- از ریگان بخواهید ارسال سلاح و مهمات را به ایران متوقف و متحدین آمریکا را به اقدام مشابه ترغیب کند.
- ۲- خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق گردید.
- ۳- از نمایندگان منتخب خود بخواهید علیه سوء استفاده از قدرت توسط گروه مجریمه، برای جلوگیری از وقایع مشابه که می‌توانند پهنا مدهای خطرناکی علیه صلح جهانی به‌بار آورند، قاطعانه موضع‌گیری کنید.

اهداف تحویل سری اسلحه به ایران، کشودن راه جدیدی برای رساندن کمک به ضدانقلابیون افغانی بود. این روزنامه به نقل از منابع سرویس اطلاعاتی آمریکا می‌نویسد که صد عدد از ۲۰۰۸ موشک "تار" که به ایران داده شد، به‌خواست دولت ریگان از سوی جمهوری اسلامی به اشرار افغانی تحویل گردید.

ریگان در سخنرانی ۱۲ نوامبر خود همجواری ایران با اتحاد شوروی و افغانستان را از دلایل تماشایی برای رژیم خمینی ذکر کرده بود. اکنون با انتشار گزارش روزنامه وال استریت جورنال آشکار می‌شود که تحریمات و تجاوزات بیش‌مانه رژیم جمهوری اسلامی علیه افغانستان انقلابی در همدستی با آمریکا صورت گرفته است.

بندوبست است. اخبار و رویدادهای هفته گذشته، صحت این ارزیابی را تأیید کرد. روزنامه وال استریت جورنال گزارش داد دولت آمریکا به اعضای کنترا اطلاع داده است یکی از



جلسه شورای امنیت ملی آمریکا - پیش‌بر در رابطه سری با رژیم خمینی برهمه مامورین این شور بود.

ریگان : با میانه‌روهای رژیم خمینی رابطه می‌گیریم رفسنجانی : ما میانه‌روهستیم

در وای آشوبی که رسوایی‌های بیبایی پیرامون بند و بست پنهانی دولت ریگان و رژیم خمینی برپا کرده است، روند نزدیکی و تفاهم طرفین ادامه دارد.

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع در نماز جمعه ۷ آذر، بار دیگر به دفاع ضمنی از معامله با آمریکا پرداخت. وی در توضیح آن گفت که آمریکا می‌خواهد "ارتباط محکمی با جمهوری اسلامی داشته باشد. وی هم چنین گفت: "هم ریگان هم آمریکا اعتراف کرده‌اند که ایران در جنگ دستی چلوتر از عراق دارد و برای این منظور آنها هم برای رفع مشکلاتشان دستشان را به سوی مادران کرده‌اند و هم این که آنها به این نتیجه رسیده‌اند که صدام و حزب بعث رفتنی (است) و باید با فاتح آینده جنگ ارتباط محکمی داشته باشند." (رادیوی رژیم - ۷ آذر) رفسنجانی که گویی از تریبون نماز جمعه با ریگان مذاکره می‌کرد، با اشاره به این سخن ریگان که آمریکادر پی برقراری روابط خوب با "نیروهای میانه‌رو" در درون رژیم خمینی است، کل رژیم را یک رژیم "میانه‌رو" و "اعتدالی" توصیف کرد و کلابه کرد که چرا آمریکا قبلاً آنان را بنیادگرا می‌نامید. وی اظهار داشت: "در ایران به تبعیت از قرآن، کل نظام از رهبری گرفته تا تک افراد ملت میانه‌رو هستند. این شما بودید به ما اسم بنیادگرا گذاشتید و

خودتان نیز به آن مبتلا شدید. ما ادعایمان در اعتدالی بودن است." رفسنجانی از آمریکا درخواست کرد اموال توقیف شده ایران در آمریکا به جمهوری اسلامی تحویل داده شود. در خطبه رفسنجانی، نکته مهم دیگری نیز وجود داشت. رئیس مجلس آخوندی از محافل امپریالیستی آمریکا خواست بهبود روابط را به خرید اسلحه ربط ندهند، و افزود: "ما برای خرید اسلحه و جنگ افزارهایمان که اکثر آمریکا است از راه‌هایی که بتوانیم اقدام خواهیم کرد." به نظر می‌رسد این سخنان رفسنجانی بر زمینه اعتراضاتی ایراد شده است که در آمریکا و سایر کشورهای جهان نسبت به ارسال اسلحه آمریکایی به ایران صورت گرفت.

واقعیت این است که بنا بر پاره‌ای دلایل معین، محافل سیاسی و افکار عمومی آمریکا و کشورهای متحد آن - اعم از نیروهای ترقیخواه و برخی جناح‌های امپریالیستی - حساسیت شدیدی نسبت به معامله پنهانی واشنگتن و تهران نشان دادند. انگیزه مخالفت‌های ابراز شده از سوی محافل امپریالیستی، نه مضمون رابطه با جمهوری اسلامی، بلکه شکل و شیوه پیشبرد این رابطه است. این محافل، از جمله اکثریت کنگره آمریکا،

معتقدند بند و بست با تهران به گونه‌ای ناشیانه انجام گرفته و به ویژه، تعهدات پیشین دولت آمریکا را به زیر سؤال کشیده است. به نظر محافل مزبور، رابطه با رژیم خمینی باید به شیوه‌ای گسترش یابد که نافع ادعاهای پیشین ریگان مبنی بر "مبارزه با تروریسم" و غیره نباشد. هفته گذشته کاخ سفید اعلام کرد از این پس مسئولیت تنظیم و پیشبرد سیاست واشنگتن در قبال ایران به طور کامل به وزارت خارجه محول می‌گردد. در مقابل، جرج شولتز وزیر خارجه گفت که به طور کامل از چهار اصل اعلام شده توسط ریگان در ارتباط با ایران، پشتیبانی می‌کند. این چهار اصل از سوی ریگان در سخنرانی تلویزیونی ۱۲ نوامبر بیان گردید.

سخنان جمعه گذشته رفسنجانی را باید واکنشی در برابر این فعل و انفعالات در آمریکا دانست. رفسنجانی اعلام می‌کند رژیم خمینی در مقطع فعلی در بازنگردن کاتال ارسال مستقیم اسلحه از آمریکا به ایران مصر نیست و خواهد کوشید از طریق واسطه‌های معمول، نیازهای تسلیحاتی خود را تأمین کند، تا آب‌ها از آسیاب بیفتد و در آینده‌ای نه چندان دور، زمینه روابط مستقیم تسلیحاتی بار دیگر مهیا گردد. در عین

حال، رفسنجانی تمایل رژیم ولایت فقیه به ادامه روند بازسازی مناسبات دوستانه را مورد تأکید قرار می‌دهد. بی‌شک طرفین خواهند کوشید با غلبه بر بحران کنونی، توافق خود برای ادامه این روند را به اجرا گذارند.

مک فارلین فرستاده ریگان به تهران در مصاحبه با روزنامه لس آنجلس تایمز اظهار داشت: "نقش استراتژیک ایران و ضرورت برقراری پیوند با میانه‌روها در تهران از اهمیت دراز مدت تری در قیاس با آزادی آمریکا بیبایی که توسط گروه‌های طرفدار ایران در لبنان به گروگان گرفته شده‌اند، برخوردار است." مک فارلین محافل امپریالیستی آمریکا را فرامی‌خواند تا هر چه زودتر به کشمکش به بهانه معامله "گروگان - اسلحه" میان دولت ریگان و رژیم خمینی پایان دهند و به وجه استراتژیک و درازمدت "پروژه ایران" توجه کنند. رابرت هانتز از همکاران مک فارلین در مرکز تحقیقات استراتژیک و بین‌المللی دانشگاه جرج تاون نیز در شماره ۱۱ نوامبر روزنامه لس آنجلس تایمز می‌نویسد: "دولت ریگان دقیقاً کار درستی انجام می‌دهد و می‌کوشد رابطه دراز مدتی با هر نیروی صاحب نفوذ در ایران که کوشش‌ها داشته باشد، برقرار کند. ممکن است هم اکنون این افراد بی‌اعتبار شوند. اما مواضع روشن شده است. روند اخیر، هر چند فعلاً متوقف شده، نشان می‌دهد افراد ایران از غرب الزامی نیست." ●

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست...

چشم به‌نظم طبقاتی داشته باشیم. اساس اینجاست. رژیم ولایت فقیه از روز نخست میخ خود را در اینجا کوبید. و هر چه که دیگر گفت، هر چه که دیگر کرد، در خدمت این اساس قرار داشت. پس جدا از هر رنگ و لعابی، آن همه دروغ بود. امپریالیسم به دشنام شنیدن عادت کرده است. آیا شاهد نزاع بدکارگان و نابکاران بوده‌اید؟ آنها از دشنام شنیدن پروایی ندارند. آن‌کاره‌اند و آن‌کارگی هویتشان است. امپریالیسم خصلتی جهانی دارد. امپریالیسم ریگان و کارتر و که نیست. امپریالیسم سرمایه جهانی است و سرمایه جهانی برای آن که ارزش‌های اضافی رپوده شده از گوشه و کنج جهان را به خزانه آن بریزند، در همه جا در درجه نخست مدافع آن نظم طبقاتی است که مانع تبدیل ارزش‌ها به سرمایه نشود. و سرمایه که انباشته شد خود را هاش را به سوی آن منج‌سلاط می‌کشد. هیچ مانعی در سر راهش تاب مقاومت راندارد. کمتر و بیش‌تر مساله تاریخ نیست، مساله لحظات است. تاریخ را با این لحظات چه کار. دیدیم که هفت سال چه به سرعت گذشت. استثنائات شاخص قدرت قاعده هستند و قاعده این است که می‌بینیم. رشته‌ای برگردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست.

همواره بلند است. فریب دامنه گسترده‌ای می‌تواند بیاید. امریمنان پاسدار نظام بی انتظام طبقاتی خود را به هزار گونه می‌توانند بنمایانند. از "کلب تاخنزیر". اما آنچه که پابرجاست، آنچه که رنگ و لعاب نمی‌پذیرد واقعیت عربان مبارزه طبقاتی است. با نظر دوختن همواره بر واقعیت این مبارزه، با تکریستن بر واقعیات از دهانه مکس مبارزه طبقاتی است که کارآئی فریب سلب می‌شود. جز این هر چیز دیگری فریب دیگری است.

امپریالیسم یعنی دلار و دلار همان چیزی است که ترجمه فارسی آن ریال می‌شود. ریالها از کجا فراهم می‌آیند، به چه‌سان انباشته می‌شوند، به‌جیب چه‌کسانی ریخته می‌شوند؟ این است جوهر مبارزه طبقاتی، این است ماهیت نظم طبقاتی بر اساس ریال، بر اساس استوارتر دلار. هر که در خدمت حفظ و تثبیت این نظم باشد، اگر صریحاً در ستایش این نظم و مجموعه الزامات آن سخن نگوید، فریبی در سردارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، خود در دام نیرنگی گرفتار آمده است. اما این نیز حیل‌ه‌ای است قدیمی و شناخته شده، که فریبکاران برای فریفتن، برای بیشتر فریفتن، آنهایی را در جلوی صحنه به نمایش می‌گذارند که خود فریفته شده باشند.

هفت سال گذشت. از ۱۲ آبان سال ۵۸ تا ۱۲ آبان امسال. در ۱۲ آبان ۵۸ به "جاسوخانه" حمله بردند و در ۱۲ آبان ۶۵ فاش شد که دیر زمانی است، چوئان جاسوسان در خفا با واشنگتن رابطه داشته‌اند. تقارن جالبی است؛ تقارنی است نه از سر اتفاق. آنها خود روز ۱۲ آبان را برای علنی ساختن روابطشان با آمریکا برگزیدند. قصدشان فریب دیگری بود. خواستند بگویند ما که امروز با آمریکا باب مرادوات گشوده‌ایم، همانم که در ۱۲ آبان هفت سال پیش، با بوق و کرنا، جاسوخانه‌شان را اشغال کردیم. آری، ایگان همانان بودند که چنان کردند، و آنان همینانند که این چنین دیروزگی خود را به نمایش نهادند. دیروز را امروز معنی می‌کند و امروز را فردا. قاموس تاریخ، بر این‌نهیج نظم داده شده است. اما آیا همه چیز فریب بود؟ فریب، فریب است، اما این که هر یک از دشمنان، به مقتضای زمان، به فریب ویژه‌ای توسل می‌جویند، فریب نیست. فقهای فریبکار داعی جنگ با امپریالیسم را داشتند و هنوز نیز دارند. اما فریبکاری تنها مشخصه فقها نیست. فریب خودیکی از ابزارها و شیوه‌های مبارزه طبقاتی است. این مبارزه طبقاتی است که "فریب" را توضیح می‌دهد و نه بر عکس. دیوار حاشا

پیرایه بر حقایق و از گون

راه کارگر در کدام راه؟

بخش اول

مرکز در ایران وجود نداشته و ندارد و باید برای تاسیس و بنیانگذاری آن دست بکار شد. سازمان ماطی سالهای ۵۹ و ۶۰ و بازم پس از یک دوره مبارزه حاد ایدئولوژیک به دفاع از موجودیت تاریخی و مشخص جنبش کمونیستی و کارگری ایران و موجودیت سازمان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران برخاست و مبارزه در راه حزب، مبارزه در راه حزب واحد بصورت مبارزه در راه وحدت گردانها، پیشاهنگ طبقه کارگر ایران را در پیش گرفت که باید حول برنامه و اسانامه واحد بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تحقیق بیابید.

بدین ترتیب برخلاف کشیفات "راه کارگر" درباره انتخاب‌های سازمان در پلنوم مرداد و اسفند در زمینه امر وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، کام گذاردن سازمان در راه وحدت گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران دستاورد یک مبارزه ایدئولوژیک حاد بود و از ضرورت پاسخگویی به نیاز مبرم جنبش ما برمی‌خاست.

سازمان ما امروز نیز ضمن انتقاد از عدم پایبندی به مصوبات پلنوم‌های اسفند و مرداد و نداننده بهای لازم به اهمیت و نقش برنامه و اسانامه، پیگیرانه برای تأمین و گسترش اتحاد عمل و همکاری، همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی در راه اهداف مشترک، در راه گسترش مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف راست و "چپ" در جنبش کمونیستی و کارگری، با هدف تأمین وحدت آنان در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و بر اساس برنامه و اسانامه واحد می‌رزد و این مبارزه را نیاز مبرم جنبش کارگری و کمونیستی و پیشرفت در این راستا را پاسخگویی منافع واقعی طبقه کارگر ایران می‌شناسد. روشن است که استواری سازمان مادر مبارزه در راه وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران از اصلالت ایدئولوژی و مستحکمی طبقاتی آن، بمثابة پیشاهنگ طبقه کارگر ایران ناشی می‌شود. این حقیقت هر اندازه که برای "راه کارگر" غیر قابل درک می‌نماید برای کارگران انقلابی ایران که سلاحي جز وحدت و تشکیلات برای پیروزی ندارند، قابل درک و پذیرفتنی است. "راه کارگر" و گروهها، مشابه او، با تخطئه و نفی اندیشه و شی وحدت، پراکندگی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران را تداوم می‌بخشند و بدون اینکه به نتایج کار خود بیاندیشند به منافع واقعی طبقه کارگر ایران زیان‌های جبران‌ناپذیر می‌رسانند.

درواه بی اعتبار کردن انترناسیونالیسم

ستیز کور با حزب توده ایران و تحریف مواضع انترناسیونالیستی سازمان، "راه کارگر" را به تقابل با انترناسیونالیسم و بی‌بها کردن آن کشانده است. "راه کارگر" در آغاز تاسیس مثل سایر نیروهای

حتی اگر این هر دو تصمیم می‌گرفتند این تصمیم به خودی خود تعیین کننده و لازم الاجرائی بود. در سال ۵۹ و ۶۰ که اکثریت این تصمیم را گرفت به خیال خود می‌خواست برای "انترناسیونالیسم" خود شیرینی کند. ولی چون در دوره کارآموزی، هنوز اندازه لحاف خود را نمی‌دانست. اما حزب توده از این ناشیگری‌ها نگرید و از این تصمیمات خودسرانه نگرفت.

بله. داستان کامل بدون شرح است. هیچیک از کلمات هم تصادفی انتخاب نشده‌اند. این تحلیل تمام درک و خرد و احساس راه کارگر را فریاد می‌زند. حرف و سخن یکی است. چه از دهان "راه کارگر" درآید، چه از دهان دشمنان سوگند خورده انترناسیونالیسم پرولتری. حرف این است که سازمان قلعنامه‌های اسفند و مرداد را نه در پایخ به نیازهای جنبش کارگری و کمونیستی ایران، نه بخاطر تأمین وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر، بلکه برای خود شیرینی برای "انترناسیونالیسم" صادر کرده است. بیان "روشنفکرانه" مطلب همان است که راه کارگر "تحلیل" کرده است و بیان "بازاری"، مطلب همان است که از رسانه‌های رژیم به خورد مردم داده شده است: "اینها بدون اجازه مسکو حق آب خوردن را هم ندارند!"

اما در سخن "راه کارگر" و امثالهم واقعا یک ایده بکر وجود دارد و آن کشف رابطه‌ای است میان "مبارزه در راه وحدت" و "عدم استقلال". روح این مقاله و سایر مطالبی که از سوی این جریان - و ایضا جریان انشعابی ۱۶ آذر و دیگران - منتشر می‌شود این فکر را می‌پراکند که اگر می‌خواهی "مستقل" باشی، اگر می‌خواهی استقلال خود را ثابت کنی، باید سازمان و حزب را کنار بگذاری، علیه آنها خصومت بورزی و با هزار لطایف الحیل زهر بدبینی و عدم اعتماد در میان پیروان سوسیالیسم علمی بپراکنی.

برچسب مضحک "راه کارگر" که گویا رشد و نضج ایده وحدت و مبارزه در راه آن در سازمان ناشی از خود شیرینی برای "انترناسیونالیسم" بوده و با "عدم استقلال" مربوط می‌شده است حاوی اغراض خاص ایدئولوژیک و سیاسی است و کوچکترین ربطی به حقایق تاریخی ندارد.

همه می‌دانند که در سازمان ماطی سالهای ۵۶ - ۵۷ موضوع "مشئ چریکی" عمده‌ترین موضوع مبارزه ایدئولوژیک بود. این مبارزه سرانجام در پلنوم وسیع مه‌ماه ۵۸ به شکست مشئ چریکی، پیشاهنگ سیاسی نظامی و پذیرش مبانی ضرورت مبارزه در راه حزب طبقه کارگر و پذیرش کار توده‌ای منجر شد. تا اینجا "راه کارگر" هم ظاهر ابا ما بود. آنها هم از کار توده‌ای و ضرورت حزب حرف می‌زدند و "مشئ چریکی" را رد می‌کردند. اما چنانچه از آغاز نیز پیدا بود، "راه کارگر" آشکارا به دفاع از ایده‌ای برخاست که موجودیت تاریخی و مشخص جنبش کمونیستی و کارگری ایران را اسانافی می‌کرد و برای هیچ جریانی در طول تاریخ معاصر خصلت کارگری قائل نبود و مدعی بود که حزب طبقه کارگر

مصوبات پلنوم وسیع فروردین خواب خوش "راه کارگر" را سخت پریشان کرده است. این از نمایشنامه‌ای، که بنام "تدبیر در قایق واژگون" در باصطلاح نقادای مصوبات پلنوم سازمان در ضمیمه شماره ۲۹ نشریه خود به چاپ زده، پیداست. "راه کارگر" بدون اعتماد بنفس و با چنگ زدن به ریسمان بی‌بایان تمهت و افترا و تحریف، پلنوم سازمان و مصوبات آنرا مورد هجوم قرار داده و طومار از ختم و کهن علیه ما عرضه داشته است. فرازهای این طومار عمه خواندنی و آموزنده اند و به شناخت منطق و بینش این گروه، احساسات و عواطف و نیز اهداف سیاسی و اجتماعی آن کمک می‌کنند. ما در اینجا به مهمترین آنها می‌پردازیم و بویژه می‌گوئیم آنچه را که "منطق عمومی حاکم" بر مصوبات پلنوم ما نام نهاده‌اند بررسی کنیم و ببینیم که در تحریر این طومار تمهت و افترا کدام منطق عمومی را هب "راه کارگر" است.

درواه پراکنندگی جنبش کمونیستی ایران

"... در این شرایط که دشمنان طبقه کارگر تمام نیروی خود را برای پراکندن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت میان نیروهای فعال جنبش کمونیستی بکار گرفته‌اند، ترویج هر چه خالتر و موثرتر ایده وحدت و مبارزه در راه آن از اهمیت و اولویت خاص برخوردار است." (از گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به پلنوم وسیع فروردین)

مقاله "راه کارگر" با تخطئه این اندیشه مصوب پلنوم وسیع سازمان ما شروع می‌شود و الح و الانصاف تا آنجا که از دستش برمی‌آید از پراکندن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت نسبت به سازمان ما - حزب توده ایران که جای خود دارد - کوتاهی نکرده است. منطقی "راه کارگر" در دشمنی با این اندیشه ما باین ترتیب راه می‌کشد که او فراخوان وحدت پلنوم وسیع فروردین را که از سر مسئولیت نسبت به سرخوش جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما به عمل آمد دلیل بارز "عدم استقلال" سازمان ما نام می‌نهد. "راه کارگر" در این زمینه از خود نیوغ و استعداد بسیار نشان داده است، "اسرار" تازه‌ای کشف کرده که ظاهرا تاکنون به عقل هیچکس نرسیده بود. او حیرت زده می‌خواهد بداند چرا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در استاد خود، هر دو قلعنامه‌هایی در زمینه ضرورت مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد طبقه کارگر صادر کرده‌اند. "راه کارگر" برای یافتن پایخ به گذشته می‌نگرد و باصطلاح بدنبال سر نخ قضایاست. و سرانجام در کندو کاو خود به نتیجه مضحک و درعین حال تاسف‌باری می‌رسد. او ابتدا نقد پلنوم وسیع فروردین ۶۵، پیرامون مساله وحدت سازمان و حزب را که بر "عدم پایبندی به مصوبات پلنوم‌های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰" تأکید می‌کند رد کرده و سپس می‌نویسد:

"واقعیت این نیست. وحدت سازمانی حزب توده و اکثریت فقدا به اراده رهبری اکثریت منوط نبوده است. اولاً موافقت حزب توده نیز شرط بوده است و ثانیاً با توجه به عدم استقلال این مردم، تصمیم آنها بیش از یک اظهار نظر آرزوی نمی‌داشت و

برخاسته از جنبش چریکی، از سوسیالیسم موجود، اتحاد شوروی و نقش و اهمیت آن در روند انقلاب جهانی، از نقش و اهمیت پیوند جنبش‌های رهایی‌بخش ملی با سوسیالیسم موجود، از مضمون دوران و اهمیت تغییر توازن قوا در سطح جهانی بسود نیروهای صلح و دمکراسی، استقلال و سوسیالیسم، از اینکه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان نظام‌های اجتماعی گوناگون نه تنها امکان‌پذیر است بلکه عهده‌ترین مسأله حاد دوران ماست درک درستی نداشت. بررسی اسناد این جریان حاکی از تغییرات مثبت هر چند اندک در دیدگاه‌های آن پیرامون عهده‌ترین مسائل انقلاب و روند تکامل جامعه بشری طی سال‌های اخیر است. در میان پیروان "راه کارگر" حتی نظرات مثبت تری نیز چشم می‌خورد. مثلاً در نشریه تئوریک شماره ۴ "راه کارگر" نویسنده مقاله «انترناسیونالیسم در ایدئولوژی»، "توده‌ای" با صراحت از احزاب کمونیست و کارگری، از نقش اتحاد شوروی در روند انقلاب جهانی صحبت می‌کند و بوضوح اعلام می‌نماید:

"در دشمنی بورژوازی تمام کشورها، امپریالیسم و ارتجاع جهانی با اردوگاه سوسیالیستی و با همبستگی بین‌المللی اردوی کارکسی شکی ندارد. در این نیز که دشمنان سوگند خورده انترناسیونالیسم پرولتری حتی بر پیوند و رابطه برابر حقوق احزاب کمونیست کشورهای گوناگون با احزاب کمونیست اردوگاه سوسیالیستی نیز برچسب "وابستگی" و "عدم استقلال" می‌زنند و در اینکه می‌کشند آنان را به زیر پرچم "کمونیسم ضد شوروی" بکشاند و از این طریق انترناسیونالیسم پرولتری را تضعیف کنند سرورزی هم جای تردید و ابهام وجود ندارد" (۱)

واقعاً جای ستایش است که در میان رفقای "راه کارگر" هستند کسانی که به این حقیقت مسلم و این تجربه بزرگ تاریخی جهانی حداقل در گفتار اعلام پایبندی می‌کنند. یقین داریم که نه تنها کمونیست‌های ایران، بلکه کمونیست‌های همه کشورها نیز این مواضع اصولی و انقلابی را می‌ستایند و آنرا تقویت می‌کنند، اما واقعیات حاکی از آنست که در تمام آن زمینه‌هایی که نویسنده مقاله مذکور عنوان کرده هم خودش ناپیگیر است و هم در سازمان او "جای تردید و ابهام" وجود دارد، آنهم نه تنها باندازه سرورزی، بلکه در حد یک موضعگیری رسمی از سوی این جریان!! واقعیات از این حکایت می‌کنند که در عمل "راه کارگر" هنوز باید برای اتخاذ مواضع اصولی، برای ترک بدبینی و عدم اعتماد به انترناسیونالیسم پرولتری و انترناسیونالیسم سوسیالیستی، برای فهم اینکه این بدبینی و عدم اعتماد، ریشه‌ای جز در ناسیونالیسم بورژوازی ندارد و همسویی و هم‌صدایی آشکار و نهان با امپریالیسم و ارتجاع است، باید تلاش‌ها، موثرتری را بی‌گیرد. منظره در کردار، بکلی سوازی آن چیزی است که برخی از نویسندگان "راه کارگر" درباره سازمان خود در جملات آراسته ادعا می‌کنند! این جریان در ترویج خود هنوز هم چنان این زهر را می‌پراکند که گویا مصالح اتحاد شوروی با مصالح روند انقلاب جهانی و از جمله رشد جنبش انقلابی در ایران می‌تواند مغایر باشد و یا حتی سرکوب و کشتار انقلابیون ایران و تفرقه و پراکندگی صفوف آنان، شکست انقلاب و مردم و سیطره هر چه تیره‌تر ارتجاع بر کشور می‌تواند

با نیازهای سیاست خارجی اتحاد شوروی، مطابقت داشته باشد.

هنگام ریشه‌یابی علل اتخاذ خط مشی سازمان مادر سال ۶۰ و ۶۱، مبنی بر اتحاد پیروان سوسیالیسم علمی با طرفداران خمینی برای پیشبرد انقلاب بهمین، "راه کارگر" و گروه‌های مشابه آن، اینطور فکر می‌کنند که اتخاذ این خط‌مشی از جانب ما اساساً ریشه در درک ما از انترناسیونالیسم پرولتری دارد. ببینید "راه کارگر" در برخورد با سازمان و حزب موضوع را چگونه می‌بیند. "راه کارگر" ابتدا می‌پرسد:

"چه رابطه‌ای میان انترناسیونالیسم او و خط مشی حمایت‌گرانه از سیاه‌ترین و ارتجاعی‌ترین رژیم‌های جهان یعنی ولایت فقیه وجود داشته است؟" (۲) سپس در نقد درک ما از انترناسیونالیسم پرولتری و افشای پیوند انترناسیونالیستی ما با احزاب کارگری، و کمونیستی جهان می‌نویسد:

"این انترناسیونالیسم فقط به منافع طبقه کارگر جهانی (شوروی، اردوگاه سوسیالیستی) ناظر است و ربطی به منافع طبقه کارگر در سطح ملی ندارد... مضمون و محتوای این انترناسیونالیسم یک طرفه و یک سویه چیزی جز تابعیت یک جانبه پرولتاریای کشورهای مختلف به منافع اردوگاه سوسیالیستی نمی‌تواند باشد" (۳).

"راه کارگر" که اعتقادش متناقضانه این است که اندیشه و عمل سازمان و حزب بیانگر یک "خط‌سیاسی" (۴) است، "... یک خط‌بین‌المللی است با الگوهای مشابه در بسیاری کشورهای دیگر" (۵) که "مختصرترین تعریف آن چنین است: ترجمه دیپلماسی اتحاد شوروی به زبان فارسی" (۶)، بالاخره قضاوت خود را درباره ماهیت این خط‌سیاسی و حاملین آن و رابطه‌شان با انترناسیونالیسم، بطور صریح و مشخص چنین بیان می‌کند:

"حزب توده کارو کوشش بیدریغی تا حد جاسوسی برای رژیم کرده است در راه سرکوب کمونیست‌ها و دمکرات‌های انقلابی" در کشور خویش "و این حداکثر کوشش در کشور خویش در راه یکسره کردن کار "چپ‌ها و چپ‌گراها" و برای یکسره کردن کار جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی البته برای پیشبرد هدف واحد در سراسر جهان و منطبق با اهداف انترناسیونالیستی حزب توده بوده است... کوشش حزب توده در کشور خویش منحصر و مطلقاً کوششی است برای تأمین منافع دیپلماتیک و اقتصادی اتحاد شوروی، در ایران" (۷).

در اینجا پاسخ به اتهامات ناروایی که به حزب توده ایران نسبت داده شده مورد نظرمانست، شگفت‌انگیز و بسیار بسیار تاسف‌بارتر آنست که راه کارگر رک و راست و با وقاحت تمام در اینجا تاکید می‌کند که سرکوب کمونیست‌ها و دمکرات‌های انقلابی، یکسره کردن کار چپ‌ها و چپ‌گراها، به منظور یکسره کردن کار جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در ایران منافع دیپلماتیک و اقتصادی اتحاد شوروی، را در ایران تأمین می‌کرده است. تاسف اینجاست که بدبختانه نه فقط آنچه در اینجا از راه کارگر نقل شده بلکه تقریباً تمام مقالات و دیدگاه‌های اعلام شده توسط راه کارگر مبتنی بر همین منافع و بینش است.

"راه کارگر" و دیگر نیروهایی که واقعا در جستجوی درک حقایق هستند می‌توانند امیدوار باشند

که سازمان ما همتاگونه که تا امروز نشان داده است با احساس مسئولیت عمیق و با صراحت و پیگیری همواره تمام جوانب فعالیت سازمان را در مراحل مختلف حیات آن تحلیل و بررسی کرده و نظرات و نتایج بدست آمده را با شجاعت و صداقت راهنمای عمل خود و همه جنبش انقلابی ایران قرار داده و می‌دهد. ما با صراحت و شجاعت تاکید کرده‌ایم که "خط‌مشی و برنامه‌ها در سال‌های ۶۰ و ۶۱ در جهت خلاف روند عینی رویدادها بوده است". ما تاکید کرده‌ایم که "این خط‌مشی و سیاست انحراف به راست از سیاست مستقل طبقه کارگر بوده است". علل عینی و ذهنی اشتباهات ما از درون وضعیت مشخص جامعه ما، و بویژه کیفیت و سطح تکامل سازمان ما برخاسته است و مسئولیت هر انحرافی نیز بر عهده ماست. تنها کسانی که در قبال سرشودت خلق خود و جنبش ما احساس مسئولیت نمی‌کنند ظهور انحرافات ما را به عامل خارجی نسبت داده و در خارج از چهارچوب واقعیات مشخص جنبش ما در جستجوی علل آن برمی‌آیند. هرکس که بویی از صداقت و مسئولیت برده باشد نمی‌تواند بفهمد و باور کند که چرا و چگونه سیاست و برنامه سازمان مدارس‌های ۶۰ و ۶۱ به سود اتحاد شوروی، بوده و مسئولیت آن بدلیل باصطلاح "عدم استقلال" سازمان، بر عهده حزب کمونیست شوروی است.

راستی "راه کارگر" چگونه در عمل، نه در کالی‌بافی‌های دراز گویانه می‌تواند صادقانه به این فراخوان خودش که می‌گوید "طبقه کارگر ایران باید هشیارانه و با حساسیت تمام در برابر ناسیونالیسم و کمونیسم ملی و کمونیسم ضد شوروی بایستد و بوزه بورژوازی و امپریالیسم را در ترویج این ایده‌های ضد کمونیستی خرد کند" (۸) پایبند بماند در حالی که خودش می‌گوید و تکرار می‌کند و می‌نویسد که سیاست و خط‌مشی سازمان به اشاره حزب کمونیست اتحاد شوروی و برای تأمین منافع دیپلماتیک و اقتصادی این کشور طراحی شده است.

قاعدتاً "راه کارگر" باید بداند که چنین اتهام سخیفی از چه زمان و توسط کدام محافل ساخته و پرداخته شده است. مضض یادآوری می‌گوییم، با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر و برپایی انترناسیونال سوم که بشارت دهنده شکست بورژوازی در مقیاس سراسر جهان بود طبقه بورژوازی در مقیاس همه کشورها کمونیست‌های پشتیبان کشور شوراها و مدافع نخستین میهن سوسیالیستی کارگران جهان را در مظان این اتهام قرار داد که گویا عامل شوروی و کارگزار دیپلماسی خارجی نخستین دولت کارگری جهان‌اند. این ترفند ردیلا نه بورژوازی مستقیماً متوجه بی‌اعتبار کردن همبستگی بین‌المللی رنجبران جهان و پیوند انترناسیونالیستی جنبش کارگری و کمونیستی، یعنی درم شکستن یکی از ارکان سیاست مستقل طبقاتی پرولتاریا بود.

بورژوازی چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس بین‌المللی هر سال میلیاردها دلار صرف کارزار سیاسی-روانی می‌کند که بر محور همین اتهام سازمان یافته است. سرمایه‌گذاری هنگفت بورژوازی بین‌المللی روی این اتهام از خصلت دوران ما که با پیروزی انقلاب اکتبر آغاز شد ناشی می‌شود. در دوران ما هیچ جنبش اصیل و واقعا انقلابی تا امروز وجود نداشته و نمی‌تواند وجود داشته باشد که بدون پیچیده در صفحه ۱۰

ادامه گزارشها پیرامون بند و بست آمریکا و رژیم خمینی

در هفته‌های اخیر، اخبار و گزارشهای مفصلي در مطبوعات غرب پیرامون بند و بست دولت ریگان و رژیم خمینی انتشار یافته است که بخشی از آن را طی چند شماره اخیر "اگریت" بازتاب داده ایم. در زیر توشه‌ای دیگر از این گزارشها را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

* لس آنجلس تایمز، ۱۲ نوامبر - مک فارلین طی یک سخنرانی در آتلانتا خواهان "نگرش عاری از تعصب" به ایران شد و گفت وسعت این کشور، همجواری آن با اتحاد شوروی، ذخایر عظیم نفت آن و توان آن در قطع جریان نفت از سایر منابع خاورمیانه از طریق اقدام نظامی، تلاش ایالات متحده را برای برقراری روابط پایدار با ایران، منطقی می‌سازد. مک فارلین افزود "ایالات متحده باید انقلاب ایران را بعنوان یک واقعیت بپذیرد و از تلاش برای براندازی آن اجتناب کند. اما ما از اساس با گسترش آن به خارج از مرزهای ایران از طریق دشمنی علنی و یا بهره‌گیری از تروریسم مخالفیم." مشاور سابق ریگان گفت آمریکا باید برای بهبود روابط با ایران اعلام کند در جنگ ایران و

عراق، عراق متجاوز است. مک فارلین اظهار داشت بهایی که آمریکا باید برای بهبود روابط با ایران پرداخت کند، زیاد نیست.

* خبرگزاری آلمان ۲۶ نوامبر - دولت اسرائیل برای نخستین بار به شرکت خود در معامله اسلحه آمریکا و ایران اعتراف کرد. شیمون پروز وزیر خارجه اسرائیل که در زمان انجام تماسهای سری تهران و واشنگتن عهده‌دار سمت نخست‌وزیری بود، در پارلمان این کشور گفت: "اسرائیل در تحویل جنگ افزارهای دفاعی از ایالات متحده آمریکا به ایران شرکت کرد... برای ماهیچ دلیلی وجود ندارد که احساس شرم کنیم... ما به درخواست متحد خود، به او در یک امر انسانی (!) کمک کردیم و در این بین حتی یک سنت هم منفعت نداشتیم!"

* آسوشیتد پرس، ۲۶ نوامبر - روزنامه‌های آمریکایی گزارش دادند عربستان سعودی نیز در معامله اسلحه با ایران شرکت داشته است. نیویورک تایمز به نقل از منابع آمریکایی و اسرائیلی گزارش داد عدنان قاتل‌چی تاجر اسلحه سعودی به دستور دولت سعودی در این جریان دخالت داشت.

نیویورک تایمز می‌افزاید عربستان سعودی که در جنگ خلیج از عراق حمایت می‌کند، با این کار خواسته است با تهران رابطه برقرار سازد زیرا برای گمان است که ایران در جنگ پیروز خواهد شد.

واشنگتن تایمز یک روزنامه دیگر آمریکایی نوشت سعودی‌ها به درخواست الیورنورت عضو شورای امنیت ملی آمریکا در پرداخت مبالغی جهت تحویل اسلحه به ایران شرکت کردند. نورت سعودی‌ها را متقاعد ساخت بابت سلاحهای آمریکایی مبلغی بیش از بهای واقعی آن بپردازند.

* خبرگزاری آلمان، ۲۶ نوامبر - پیادیشف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت: "وقایع اخیر تایید می‌کند در مذاکرات بین‌المللی نمی‌توان به ایالات متحده اعتماد کرد و باید هر موضوعی آن را دقیقاً بررسی نمود. دولت ایالات متحده اینک در موقعیت بسیار پیچیده‌ای به سر می‌برد و باید نگران بود که ریگان به اقدامات خطرناک در خاور نزدیک و میان منطقه خلیج دست بزند."

* نیویورک تایمز، ۲۶ نوامبر - یک مقام دولت آمریکا گفت: "ما دروازه‌ها را به روی متحدان خود باز

کرده ایم تا به ایران اسلحه بفروشند. فکر می‌کنم این کشورها به تهران هجوم خواهند آورد تا پیشنهاد بدهند و معامله کنند." به عنوان نمونه، مقامات آمریکایی و بریتانیایی گفتند در اواخر ماه گذشته یک هیات ایرانی به بریتانیا رفت تا در مورد دریافت لوازم یدکی تانکهای چیفتن و زرهپوشهای اسکورپیون مذاکره کند. مقامات بریتانیایی همچنین هفته گذشته تایید کردند با ایران در مورد یک معامله ۲۷/۸ میلیون دلاری به منظور فروش سه هزار اتومبیل لندرور به نیروهای مسلح ایران مذاکره کرده‌اند.

* هرالد تریبون، ۲۵ نوامبر - روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌ای به قلم یک استاد دانشگاه جرج میسن آمریکا نوشت با رویدادهای اخیر، افول انقلاب اسلامی و آغاز پایان جنبش بنیادگرای اسلامی در منطقه رقم زده شد، هر چند ممکن است جمهوری اسلامی بر قدرت سیاسی و نظامی خود بیافزاید. به عقیده این مفسر، بند و بست رژیم خمینی با آمریکا علیرغم آنکه در داخل ایران به تثبیت این رژیم کمک می‌کند، اما در سطح منطقه نقشه نهایی بر الهام‌هایی می‌گذارد که افراطیون مذهبی از جنبش خمینی می‌گرفتند ●

پیرایه بر حقایق ●●●

پتیه از صفحه ۹

تحکیم همبستگی با اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی جهان چشم انداز شکوفایی تحولات دمکراتیک و انقلابی را بسود توده‌های مردم گشوده باشد. سوسیالیسم موجود و دستاوردهای سترگ آن وثیقه مملکت خنثی در بند جهان در نبرد عایه امپریالیسم و ارتجاع و برای همه رنجبران جهان نمونه و نوید مرگ محتوم سرمایه‌داری است که آنها را به نبرد فدایی در راه سوسیالیسم، نبردی که پیروزی آن حتمی است فرا می‌خواند. از اینجاست که بورژوازی معاصر در گسستن رشته دوستی و همبستگی خلقها و انقلابیون کشورها با اتحاد شوروی اصرار دارد و می‌کوشد با حربه "عدم استقلال" و "تابعیت از منافع دیپلماتیک و اقتصادی شوروی" و نظایر آن از یکسو جنبش کارگری و کمونیستی جهان را دستخوش پراکندگی و تفرقه سازد و از سوی دیگر با فریب توده‌های مردم، پیشاهنگ اکثریت سوسیالیست طبقه کارگر کشورها را در جامعه خود منفرد نماید.

در نشریات راه کارگر از قلم برخی نویسندگان آن فقط در تئوری و بطور کلی نسبت به این حقایق، تاکید گذرنده می‌شود. اما بطور مشخص و در زندگی واقعی "راه کارگر" جز این می‌گوید و می‌نویسد و بالاتر از آن، آنچه درکی از "عدم استقلال" احزاب کمونیستی و کارگری می‌پراکند و به خورد مردم می‌دهد که از فرط ساختگی بودن مضحک و

خنده‌دار است و الحق حتی برای رابطه پینوشه‌ها و ضیاء الحق‌ها با امپریالیسم هم قابل تصور نیست !!

لازم است تاکید کنیم که ما برخلاف "راه کارگر" که درباره انگیزه صدور قطعنامه‌های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ و درباره علل پذیرش خطبشیبانی و انتقاد در رابطه با حکومت در سال ۶۰ و ۶۱ توسط سازمان، غیب‌گویی کرده و "دست مسکو" را در پشت آن دیده است، او را متهم نکرده و نخواهیم کرد که شما برای خود شیرینی در برابر محافل امپریالیستی غرب و یا برای جلب حمایت آنها و یا بدستور آنها چنین روشی را در پیش گرفته‌اید. برای انسان واقع بین درک این واقعیت اصلاً دشوار نیست که این افکار قبل از همه حاصل تاثیر گرایش‌های بورژوازی، ملی و قشرهای وسیع خرده بورژوازی، ایران است. نخیر! اشتباه نشود، شما رفقای "راه کارگر" این افکار را از آنها به عاریت گرفته‌اید و بهر میزان که تحت تاثیر و نفوذ آن قرار گرفته باشید، بهمان میزان از سیاست مستقل طبقه کارگر انحراف حاصل کرده و به راه بی‌اعتنایی به اکثریت سوسیالیسم پرولتاری و متاسفانه به گرایش ناسیونال کمونیسم و شوروی ستیزی سوق داده خواهید شد.

توصیه مسئولان ما به شما اینست که این افکار را قاطعانه دور بریزید. همه کسانی که از این زاویه و ابتدا تحت تاثیر تمایلات خرده بورژوازی، احزاب کمونیستی و کارگری را در کشورهای مختلف مورد هجوم قرار داده‌اند بلااستغنا به سرنوشت

تاسف‌باری دچار شده‌اند. آنها هر قدر که بیشتر افسانه "دست مسکو" را علم کرده‌اند همانقدر بیشتر به مواضع بورژوازی کشیده شده‌اند. محمل تمام فشارهایی که از سوی محافل امپریالیستی و بورژوازی خودی برای درهم شکستن همبستگی اکثریت سوسیالیستی احزاب کارگر، و کمونیستی جهان به آنها وارد می‌شود، همین افسانه "دست مسکو" و وابستگی است. در صفوف شما خوشبختانه گرایشی نشان می‌دهد که این موضوع را بطور کلی، در گفتار می‌پذیرد، اما شما، بمثابه یک جریان، در کردار و در "کشور خویش" درست عکس آن عمل می‌کنید. ما می‌خواهیم صمیمانه امیدوار باشیم مرزی را که برخی از نویسندگان نشریه تئوریک "راه کارگر" در تئوری، با افکار "ضد انقلابی و ارتجاعی" و ایضا با گروههایی که ظاهراً در سمت "چپ" آن صف کشیده‌اند در موضوع نگرش به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و احزاب برادر بدرستی ترسیم کرده‌اند، "راه کارگر" در کشور خویش و در "کردار" نیز ترسیم نماید.

(ادامه دارد)

زیر نویس ما:

- (۱) راه کارگر تئوریک ۴ صفحه ۶۵
- (۲) راه کارگر تئوریک ۴ صفحه ۶۲
- (۳) همانجا صفحه ۶۴ و ۶۳ -
- (۴) ضمیمه راه کارگر، شماره ۲۹ صفحه ۱۱
- (۵) و (۶) راه کارگر، تئوریک ۱ صفحه ۱۰۴ و ۹۵
- (۷) راه کارگر، تئوریک ۴ صفحه ۶۹
- (۸) راه کارگر، تئوریک ۴ صفحه ۷۲

آمریکای فدرال ادسالت ۲ را نفض کرد

جمعه گذشته صدوسی و یکمین بمب افکن آمریکایی حامل موشک های بالدار کروز در پایتختی در تگزاس استقرار یافت و بدین ترتیب آمریکا علنا قرارداد محدود کردن سلاح های استراتژیک موسوم به "سالت ۲" را نفض کرد. اتحاد شوروی اعلام کرد این اقدام را بی پاسخ نخواهد گذاشت. از آنجا که نفض قرارداد سالت ۲ لطمه ای جدی به کل نظام قراردادهای بین المللی محسوب می شود در خود آمریکا نیز این اقدام با مخالفت هایی مواجه شده است. یک نماینده کنگره آمریکا با اشاره به رسوایی بند و بست پنهانی ریگان با رژیم خمینی گفت: "این باور نکردنی است؛ در حالی که سیاست خارجی دولت به کلاف سردرگمی تبدیل شده، با افزودن یک بغرنجی عمده دیگر، وضع را پیچیده تر می کنند."

قرارداد سالت ۲ در سال ۱۹۷۹ توسط لئونید برژنف و جیمی کارتر به امضا رسید اما کنگره آمریکا آن را تایید نکرد. در عین حال، دو طرف متعهد شده بودند علیرغم رسمیت نیافتن سالت ۲، حدود تعیین شده در آن برای سلاح های استراتژیک را نفض نکنند. اینک آمریکا این تعهد را زیر پا گذاشته است.



عکس، صحنه ای از درگیری کارگران معادن و پلیس پرو را در لیمای پایتخت این کشور نشان می دهد. کارگران معادن پرو از ماه ها پیش خواستار بازگشایی معادن جنوب این کشور و پرداخت دستمزد های معوقه خود هستند. درگیری، هفته گذشته در میان یک راهپیمایی کارگران صورت گرفت.

ریگان دو مشاور خود را برکنار کرد

ریگان رئیس جمهور آمریکا سه شنبه گذشته اعلام کرد جان پوپین دکتر مشاور امنیت ملی او و الیور نورت معاون پوپین دکتر به علت "ارتکاب خطا" در ارتباط با معامله پنهانی با ایران از کار برکنار شده اند. ادوین میس وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا به دنبال سخنان ریگان به خبرنگاران گفت برکناری دو مشاور رئیس جمهور آمریکا به دلیل عملکرد غیرقانونی آنها در انتقال مبالغ پرداختی ایران به ضد انقلابیون نیکار آگوشه بوده است. با این که دولت ریگان مدعی است تنها این دو مقام برکنار شده، از کمک غیرقانونی، ۴ میلیون دلاری به کنترا از محل پرداختی های جمهوری اسلامی مطلع بوده اند، سرهنگ الیور نورت اظهار داشت این

دیدار گارباچف از هند

هفته گذشته میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی یک دیدار رسمی و دوستانه از هند انجام داد. در پایان این دیدار، گارباچف و راجیو گاندی نخست وزیر هند سندی تحت عنوان "بیانیه دهلی" امضا کردند و در آن بر این اصول تاکید ورزیدند: تبدیل همزیستی مسالمت آمیز به معیار عمومی مناسبات بین المللی، چشم پوشی از اعمال قهر در این مناسبات، جایگزینی تفاهم و اعتماد به جای ترس و بی اعتمادی، اقدام به استقلال و حاکمیت کشورها، بکارگیری هزینه های نظامی برای اهداف مربوط به رشد اجتماعی و اقتصادی، حل مسایل جهانی و محسوسات های هسته ای. در جریان دیدار گارباچف از هند، دو کشور هم چنین یک قرارداد همکاری اقتصادی و فنی امضا کردند. رهبر شوروی طی دیدار از هند پیشنهاد کرد

کمک با "اطلاع و تشویق مقامات بالا" پرداخت شده است. وی از میان این مقامات تنها از دونالد ریگان رئیس دفتر مخصوص رئیس جمهور آمریکا نام برد. در آمریکا مفسران بیش از پیش موقعیت کنونی دولت ریگان را با وضعیت نیکسون پس از افشای ماجرای واترگیت مقایسه می کنند. میاتی مرکب از جان تاورنسانو سابق از حزب جمهوریخواه، ادسوند ماسکی وزیر خارجه در زمان ریاست جمهوری کارتر و برنت اسکو کرافت مشاور امنیت ملی جرالدفورد رئیس جمهور اسبق تشکیل شده است تا به عملکرد شورای امنیت ملی در ارتباط با معامله پنهانی با ایران رسیدگی کنند. تاور ریاست این هیات را برعهده دارد.

برای بهبود اوضاع در منطقه اقیانوس هند، مانورهای نظامی و نقل و انتقالات نیروهای مسلح در این منطقه از پیش اعلام شده، مذاکرات چند جانبه کشورهای این منطقه برای تضمین امنیت کشتی رانی، از جمله در خلیج فارس و تنگه هرمز انجام پذیرد، حاکمیت و تمامیت کشورهای منطقه تضمین گردد، یک قرارداد چند جانبه درباره امنیت راه های هوایی در منطقه اقیانوس هند تدوین شود و منشوری بین المللی برای مبارزه با تروریسم در هوا و دریا به امضا رسد. گارباچف در یک کنفرانس مطبوعاتی در پایان دیدارش از هند گفت تلاش سازمان ملل برای حل اوضاع پیرامون افغانستان با موفقیت هایی همراه بوده است. وی افزود نیروهای شوروی از افغانستان خارج خواهند شد و خاطرنشان ساخت: "ما نمی توانیم موقعیتی را بپذیریم که نیروهای شوروی بطور دائم در افغانستان باقی بمانند."

آتش بس در فیلیپین

دولت آکینو و جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین که نمایندگی ارتش نوین خلق را در مذاکرات با دولت برعهده دارد، موافقت نامهای درباره یک آتش بس ۶۰ روزه تا دوم فوریه سال ۱۹۸۷ امضا کردند. دوم فوریه، تاریخ صهیبری در مورد قانون اساسی جدید فیلیپین است. ساتور اراکامیو نماینده جبهه دمکراتیک ملی در مذاکرات، قرارداد آتش بس را نخستین گام به سوی برقراری صلحی مبتنی بر عدالت، آزادی و دمکراسی خواند.

اخبار کوتاه

* نبردهای خونین در لبنان میان شبه نظامیان امل و فداطینی صدها قربانی گرفت. دهکده مقدسه واقع در حومه بندر صیدا در جنوب لبنان مرکز این درگیری ها بود و چند بار توسط امل و نیروهای فلسطینی تسخیر شد.

* دولت آلمان فدرال یک سلسله اقدامات علیه سوریه به مورد اجرا گذاشت که شامل محدودیت هایی برای سفارت این کشور در بن و همکاری های اقتصادی دو کشور است. بهانه بن برای این اقدامات حکم دادگاهی در برلن غربی مبنی بر دخالت سوریه در یک بمب گذاری است.

* در انتخابات اتریش مرد و حزب بزرگ این کشور، حزب سوسیالیست و حزب مردم، نتیجه ای ضعیف تر از دوره پیش به دست آوردند و هیچ یک نتوانستند به اکثریت کرسی های پارلمان دست یابند. انتظار می رود این دو حزب برای تشکیل دولت با یکدیگر ائتلاف کنند.

۱۶ آذر، روز دانشجو، روز «اتحاد، مبارزه، پیروزی»



خاطره شهیدان دانشجو، روز دانشجو نامیده شد، به پرچم اتحاد و رزم دانشجویان تبدیل شد. کمتر کسی را می توان یافت که در سالهای دبکتاتوری شاه با مراکز آموزش عالی ایران سروکار داشته و جلوه های پرشکوهی از مبارزات قهرمانانه و افشاگرانه دانشجویان در روز ۱۶ آذر را دریاد نداشته باشد.

به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو، از سوی کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران اعلامیه ای منتشر گشت که در همین صفحه نشریه به چاپ رسیده است.

سازمان دانشجویان پیشگام
در کنفرانس دانشجویان برلین غربی

در گزارشی که مسئول سازمان مذکور به کنفرانس ارائه داد، بعد از بررسی عملکردهای انجام شده در یک سال گذشته و طرح برنامه های آینده در بخش "همبستگی بین المللی" با اشاره به وجود جو اختناق و ترور در کشورهای آفریقای جنوبی، شیلی، ترکیه و ایران، از مبارزات خلقی های تحت ستم این کشورها و کشورهای مشابه در راه بدست آوردن استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی قاطعانه حمایت شد. در این گزارش قلم فروری چنگ ایران و عراق که فقط به نفع امپریالیسم است، خواسته شد.

کمتر از چهارماه از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد رژیم شاه در ادامه سرکوب جنبش ملی و مردمی و در جهت سرکوب جنبش توانمند دانشجوئی، به دانشگاه تهران بورش آورد و دست به جنایتی زد که در نتیجه آن سه دانشجوی مبارز کشته شدند. این جنایت در آستانه سفر نیکسون معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا به تهران صورت گرفت. دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به این سفر دست به اعتصاب زده بودند. در مقابله با این اعتصاب، به دستور شاه تیپ ۲ زرمی ارتش به دانشگاه تهران بورش آورد و در مدخل دانشکده فنی دانشگاه تهران دانشجویان را به رگبار بست که در نتیجه آن سه دانشجو، مبارز و میهن پرست به شهادت رسیدند. دانشجویان توده ای بزرگ نیاو مهدی شریعت رضوی و دانشجوی هوادار دکتر مصدق، احمد قنجدی، در روز ۱۶ آذر ۱۳۲۲ خون سرخشان بر زمین ریخته شد اما این خود سرآغاز حرکت و فریادی گشت که در تمام طول دوران سلطنت سیاه و تکبوت بارشاهنشاهی و تاسرتوگونی آن لحظه ای از جنبش وطنین باز ناپیستاد. روز ۱۶ آذر که برای بزرگداشت

سومین کنفرانس سازمان دانشجویی DAS (سازمان دمکرات ها و سوسیالیست ها - برلین غربی) در تاریخ ۱۸ و ۱۹ اکتبر در شهر برلین غربی برگزار گردید. در این کنفرانس نمایندگان و هیات های سازمان های دانشجویی مهمان از ۱۷ کشور حضور داشتند. سازمان دانشجویان پیشگام ایران نیز از جمله مدعوین بود که با اعزام هیاتی در کنفرانس شرکت نمود. شرکت کنندگان در کنفرانس با شعار "تعلیم، کار، صلح" به بررسی فعالیت های خود در یک سال گذشته پرداختند. در این کنفرانس بر روی ضرورت مبارزه سازمان ها و انجمن های، دمکراتیک و مترقی دانشجویی علیه قوانینی که در جهت وابسته کردن و سست دادن هر چه بیشتر دانشگاه ها به کنسرن های بزرگ و وارد کردن دروس و مطالبی که دانشجویان را اختصاصا برای کار در این کنسرن ها آموزش می دهد، تاکید شد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو

پرچم خونین ۱۶ آذر را به اهتزاز در آوریم!

دانشجویان مبارزا

فراتر از محیط دانشگاه می رفت. اخبار تظاهرات دانشجویان در شهرهای مختلف کشور دهان به دهان در میان مردم می گشت و مورد حمایت توده های متنفر از رژیم پهلوی قرار می گرفت. جنبش دانشجویی در همه این سال ها در مهم ترین حرکات جنبش ملی و دمکراتیک کشور نقش فعالی داشت.

دانشجویان آگاه و مبارزا

رژیم خمینی، رژیم استبدادی و دشمن عدالت و ترقی است. به همین دلیل علیه جنبش دانشجویان ایران بقیه در صفحه ۲

در غم سال های ستم شاهی، روز دانشجو باشکوه تمام در دانشگاه های ایران برگزار می شد. دانشجویان از روزهای قبل به پیشواز این مراسم می رفتند. در دیوار دانشگاه را با شعار آذین می کردند، همه جا را با اعلامیه و تراکت می پوشاندند و علیرغم تلاش های گارد و ساواک، تظاهراتی وسیع برپا می کردند. شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" دانشگاه را به لرزه درمی آورد. بزرگداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، جنبشی بود که تاثیراتش

افشاری و اشنگتن پست
سند دیگری از مزدوری دستجات ضد انقلابی

ایرانیان مهاجر، تامین مخارج یک ایستگاه رادیویی برای یک گروه مهاجر ضد خمینی در مصر، و تهیه یک فرستنده مینیاتوری تلویزیونی برای یک برنامه ۱۱ دقیقه ای زیرزمینی در ایران در دوماه قبل بود که در آن رضا پهلوی، پسر شاه فقید محمد رضا پهلوی، در آن گفت "من برمی گردم".

یک منبع اطلاعاتی که در مقام مناسبی قرارداد گفت که این پشتیبانی از جنبش مهاجرین ضد انقلابی "تنها یک پله بالاتر از جمع آوری (اطلاعات)" بوده و پول پرداخت شده برابر "پول جنب و جوشی" است که در حرکات سیاسی آمریکا پخش می شود. مقامات رسمی کابینه تاکید کردند که عملیات "سیا" هدف فراهم آوردن سرتوگونی خمینی را دنبال نکرده و در درجه اول متوجه تهیه اطلاعات در مورد رژیم او توسط گروه های مهاجر بود.

سخنگویان کاخ سفید و کابینه از توضیح پیرامون این عملیات "سیا" خودداری کردند. در پایان جان م. پوین دکستر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری روز یک شنبه به یک مصاحبه گر تلویزیونی گفت که "من تمایل به تایید یا رد هیچ عملیات دیگری ندارم" و اضافه کرد که "ما دنبال سرتوگونی رژیم خمینی نیستیم." بقیه در صفحه ۵

همانگونه که در شماره پیشین "اکثریت" گزارش دادیم، روزنامه آمریکایی واشینگتن پست در شماره ۱۹ نوامبر خود نکات مهمی پیرامون همکاری سیا، سازمان اطلاعاتی آمریکا، با رژیم خمینی و ضد انقلاب مغلوب منتشر ساخت. این مقاله، که به قلم باب وودوارد نوشته شده است، صرف نظر از دلایلی که به افشای نکات مزبور انجامید، سند محکومیت دولت ریگان و رژیم خمینی، گواه روشن هندستی کاخ سفید و چماران در سرکوب و کشتار انقلابیون ایران و نشانگر فلاکت، افلاس و خیانت پیشگی اپوزیسیون ضد انقلابی جمهوری اسلامی است.

مقاله افشاگرانه باب وودوارد طبعاً با زبان ژورنالیستی رسانه های امپریالیستی نوشته شده است. در این مقاله از دستجات سلطنت طلب با عنوان "ایرانیان مهاجر" و یا "جنبش مهاجرین ضد خمینی" نام برده می شود. در مقاله واشینگتن پست به نقل از "یک منبع اطلاعاتی" در دولت آمریکا گفته شده است:

"سفرهای مخفی اطلاعاتی ریاست جمهوری معروف به "فایندینگز" این مسئولیت را پیش روی سیا نهاد تا مهاجرین ایرانی مخالف خمینی را مورد پشتیبانی قرار دهد از جمله این اقدامات، تامین نزدیک به ۶ میلیون دلار پول برای جنبش اصلی

AKSARIYAT
NO. 135
MONDAY DEC 1, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY